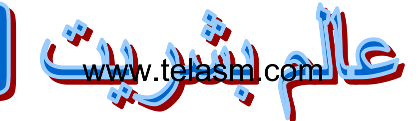
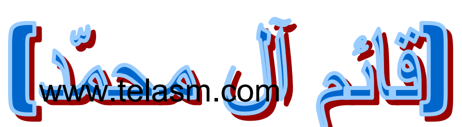


جامع العلوم و مفتاح العیون

نادِ علیاً مظهر العجائب
تجده عوناً لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بعظمتک یا الله بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی

جامع ترین رساله در علم طی الارض و خفا و راه رافتن روی آب

و پرواز کردن و احضار ودیدن ارواح وجنیان و خروج روح از بدن و چشم برزخی و تکان دادن وشکستن جمادات و متافیزیک و...

این رساله شامل آموزش های زیر می باشد:

۱۶ روش دیدن اجنه ها وارواح وفرشتگان وپریان- ۶ روش طی الارض- ۲ روش گشودن چشم برزخی- ۲ روش احضار ارواح – ۱۱ روش برای خفا(ناپدید شدن) – ۲ روش راه رفتن روی آب – ۲ روش برای پرواز کردن در هوا – ۲ روش برای تکان دادن و شکستن جمادات- ۱ روش برای خارج کردن روح از بدن – ۱ روش برای گشودن چشم سوم- و مطالبی و اموزش هایی جامع در رابطه با دیدن نادیدنی ها ومتافیزیک
در مجموع این رساله حدودا شامل ۵۰ نسخه آموزشی میباشد که با زحمات شبانه روزی از منابع کتابهای مورد اطمینان واعتبار فارسی و عربی ومقداری از اینترنت جمع آوری وترجمه و بعضی از نسخه ها که دارای رمز بودند رمز گشایی شده اند و در خدمت شما عزیزان گذارده میشود.

امیدوارم این رساله بتواند مایه کمکی باشد برای کمک به خلق خدا ودر راه رضای خدا و در راه اسلام و کمک به مظلومین ستم دیده جهان و عامل و زمینه سازی برای ظهور منجی عالم بشریت ((حضرت مهدی (عج))).

از شما خواننده گان عزیز برای اینجانب حقیر ناچیز طلب استغفار از خدا و امرزش گناهان را خواستارم.

1389/7/2



salimshoop.com

برای دیدن ارواح البته با تمرین وریاضت روحی

ریاضتی برای تقویت قوه دید ماورائی و دیدن و احضار ارواح
ریاضت امری است بسیار سهل و آسان و هرکس بخواهد به اندک زمانی میتواند در آن این طریق یابد مهرت
باین ریاضت محتاج ولی افرادی که در اصل خلقت بدین موهبت الهی نایل شده اند و مدیوم هستند نمیباشند
زیرا قادر به دیدن ارواح دیگر به صورت عادی هستند .
شرایط ریاضت :

1 این مقصود و نداشتن افکاری پریشان و تجمع حواس و گرداوری و تمرکز ذهن خویش بر روی بهتر است
زمان تمرین ریاضت به چیزی فکر نکند و حواسش مدام در این با پیشرفت تمریناتش سعی نماید در

روی حقیقت و عزم و همّت و نترسیدن و استعانت از درگاه حق تعالی برای موفقیت و خواستن از 2
. محافظت به لطف کریم سبحانه تعالی
بدین وجه که هر روز در ساعتی مشخص مشغول به تمرین مداوم و وقفه نینداختن در میان تمرین 3
تمرین شود
. نماید و جزئیات و کلیات دستور العمل را رعایت نماید و بدون کم و زیاد عمل
دستور العمل ریاضت احضار ارواح و دیدنشان :
میخواهند بر ریاضت مشغول گردند و وارد این عرصه شوند باید در یک اشخاصی که به شرایط فوق
روز وقت معین از
یا وسیع قرار گیرد و که معده نه خالی و نه زیاد پر باشد در یک اتاق و یا مکانی پاک خواه کوچک و
درها را ببندد تا کسی
و به طریقی نور آنجا را اندازه کند که خیلی تاریک نباشد رفت و آمد نکند و حواسش را منحرف نکند
و روشن نیز نباشد
هوا در معمولی کافی است که رو به تاریکی برود ولی اشیائ به خوبی دیده شوند و دیگر اینکه نوری
انجا جریان نداشته
که در طول به اندازه یک وجب و در عرض باشد انگاه مقوای سفیدی که قبلا آماده کرده بدین صورت
نیم وجب خود او باشد
دایره ای به اندازه محیط یک سکه دو ریالی رسم نموده باشند و بعد از آن دایره را و در وسط حقیقی او
سیاه کنند و تنها
گذارد و آنرا ده دیواری مقابل چشم جای پایه ثابت مرکز را که به اندازه سر سوزنی بیش نیست سفید
بکوبند که آن نقطه
سیاهی چشمشان شود و هر روز در موقع معین با رعایت شرایط فوق الذکر که سفید ریز در مقابله با
باشد معده نه خالی
مدیتیشن بنشیند به شرط و نه پر بروی صندلی و یا روی زمین روی دو زانو و یا در حالتی از حالات
آنکه در هر کجا مینشیند
باشد و یک وجب نیز میانه چشم و نقطه سفید فاصله بیش نباشد انگاه نقطه سفید کحاذر و مقابل چشم او
حواس را جمع
ممکن نیست که که خیالات متفرقه نکند و حواس تماماً متوجه آن نقطه باشد زیرا با خیالات پریشان کند
شخص مرتاض بمقصد
چشم را مات به آن نقطه گذارد و نباید تکان دهند . برسد و ابداً چشم برهم نزند و پلک نزند و سیاهی
البته در روزهای اول که
و خیال عادت ندارند قدری مشکل است لهذا باید در روزهای نخست دو یا سه دقیقه عمل کنند چشم و
بیش از چند دقیقه طول
زیادتر شود تا آنکه کم کم و به تدریج و در نکشد اما صحیح انجام دهند تا خرده خرده قوت در ریاضت
عرض ٤٠ روز یا دو ماه به ربع
و یکساعت برساند این زمان ریاضت را و خیال رانیز به شرح فوق رساند که موفقیت با اوست و نیم و
. بسیار مجرب است

متافيزيک و ادراکات فراحسي - دکتر مطلب برازنده

ادراكات فراحسي به معني دريافت تحريكات ماورائي بوسيلة گيرنده‌هايي غير از حواس پنجگانه ظاهري مي‌باشد. محركهاي حسي، مجموعه‌اي از محركهاي فيزيكي مي‌باشند كه گيرنده‌هاي فيزيكي را در حواس پنج‌گانه ظاهري تحريك مي‌كند و منجر به بروز ادراكات حسي مي‌شوند. محركهاي فراحسي مجموعه‌اي از محركهاي متافيزيكي هستند كه گيرنده‌هاي متافيزيكي را در ابعاد غير فيزيكي انسان تحريك نموده، منجر به بروز ادراكات فراحسي مي‌شوند.

انسان از سه بخش جسم، روان و روح تشكيل شده است. جسم در دنياي فيزيكي زندگي مي‌كند و بوسيلة يک سري گيرنده‌هايي ادراكات محيط فيزيكي را دريافت مي‌كند و با آن در ارتباط است. حواس پنج‌گانه

(بينايي، شنوايي، بويايي، لامسه و چشايي) مسؤول ارتباط با محيط طبيعي مي‌باشند. هر يک از اين حواس در محدودة خاصي قدرت عمل دارند و در طيف بالاتر يا پايين‌تر از اين محدودة مشخص قادر به فعاليت نمي‌باشند. براي مثال فقط انواري براي چشم انسان قابل رؤيت است كه در محدودة طيف مرئي رنگها

(قرمز تا بنفش) باشد، يعني امواج مادون قرمز و فرابنفش براي انسان قابل رؤيت نمي‌باشد. در واقع چشم فقط نوري را مي‌بيند كه طول موج و فركانس آن با قدرت گيرنده‌هاي چشم تطابق داشته باشد. در شنوايي نيز گوش انسان يک ارتعاش مشخص و محدود را دريافت مي‌كند و اگر ارتعاش صوت كمتر يا بيشتر از حد معمول باشد دريافت نمي‌شود. به عبارت ديگر گوش انسان اصوات بسيار بلند و بسيار كوتاه را نمي‌شنود. اين در حالي است كه گيرنده‌هاي فراحسي كه در ابعاد غيرفيزيكي وجود انسان قرار دارند، قادر به دريافت محركهاي خارج از اين محدوده‌ها هستند.

در ادراكات فراحسي چند مقولة مهم شامل تله‌پاتي، سايكومتري، آينده نگري، سايكوكنسيس و روشن‌بيني مورد توجه است. اين مقولات بخشي از توانايي‌هاي خارق‌العادة تمام انسانها است، در اصل جزء توانهاي فردي هر شخص بوده، در همة افراد امكان توسعه و پرورش آن وجود دارد. البته هر انسان آگاه بايد قبل از اقدام براي توسعة اين توانها، هدف خود را از اين كار مشخص و ترسيم نمايد. چرا كه هدايت اين نيروها در مسير الهي موجب قرب انسان به اللـه مي‌گردد و بهره گيري از آنها در امور مادي و غير الهي موجب دوري انسان از خداوند و رفتن به سمت گمراهي و تباهي مي‌شود.

آموزش احضار ارواح

سلام

این روش به نام چشم ابر می باشد و یکی از بهترین روش های خروج روح از بدن می باشد .
خب ما ریلاکسیشن را البته فقط یک روش را به شما آموختیم و فکر می کنم که حداقل هشتادوشش درصد بتوانند از این سیستم استفاده کنند و در ادامه ما کلا نیاز به آرامش جسم و روان (روح) داریم .
خوب وقتی کاملا ما از لحاظ جسمی و روحی ریلاکس شده ایم و در اوج این رخوت و بیحسی و سنگینی قرار گرفتیم در ذهن تصور می کنیم کنار دریایی نیمه ابری ایستاده ایم و سعی کنید در طول ساحل کمی قدم بزنید و مثلا کمی شن را بردارید و آرام بر زمین بریزید و بعد کمی در داخل آب گرم دریا و زیر نور گرم خورشید , شنا کنید و سعی کنید خود را با شنا کردن خسته کنید , انگار واقعا شنا کرده اید و البته این شنا می تواند از یک تا ده دقیقه طول بکشد و بعد از آن از آب بیرون آمده و روی شن های گرم بنشینید و سعی کنید گرمای شن ها را احساس کنید و بعد روی این شن و ماسه گرم دراز بکشید و به ابر های تکه تکه نگاه کنید و بعد از لحظاتی چشمانتان را ببندید ولی سعی کنید صدای دریا را بشنوید و حتی گرمای خورشید را روی بدنتان احساس کنید این هم از یک تا سه دقیقه زمان لازم دارد ولی خوب در افراد متفاوت است و بعد این گرمای خورشید به قدری گرم خواهد شد که شما مانند یک بخار از بدنتان فاصله گرفته و بدنتان را که روی ساحل افتاده است می بینید و این شمایید که به سمت بالا می روید و حدودا وقتی که بیست متر از بدنتان بالاتر رفتید بیکباره کل بدن خود را مانند دانه های شن و ماسه ریز میبینید , انگار مجسمه ای در همان شکل شما روی زمین درست کرده اند و کم کم احساس می کنید که باد تندی شروع به وزیدن می کند و جسم شما را روی زمین متلاشی می کند , شاید دیده اید که چگونه ماسه های شن به هوا پرت شده و ناپدید می گردد و وقتی این بدن مثالی شما

را برد , شما با سرعت زیاد بیکباره به سمت ابر ها کشیده شده و در آن محو خواهید شد و شما مانند چیزی میشوید که جسمی ندارد و فقط به صورتی مناظر را از بالا به پایین می بیند . البته خیلی ها وقتی جسمشان را به دست وزش باد متلاشی کردند نا گهان به احساس خروج از بدن شده اند و بعضی ها وقتی به سمت ابر ها کشیده شده اند این پدیده برایشان اتفاق افتاده است و اشخاصی هم هستند که با قدم زدن در این محیط مجازی به این حس رسیده اند , چون برخی از افراد زمینه و استعداد خاصی دارند و خیلی راحت تر از بدن جدا می شوند و قویه تخیولشان به خوبی کار می کند .

سورمه ها:

برای دیدن جن ۱۰۰% عملی:

چشم گربه سیاه و چشم ماکیان (یک نوع پرنده)سرمه درست کرده و به چشمای خود بکشید چشم سوم شما(بصیرت)باز میشود و دیگر جن ها را به هر صورتی که باشند (انسان....حیوان...در حال پرواز و........)میبینید
چشم شغال را اگه سرمه ازش درست کنید و به دور چشم هایتان بکشید میتوانید دیو هارو ببینید این روش باعث میشود شما قدرت خیلی زیادی بتونید بدست بیارید و دیگر کسی حریف شما نباشد

بخورات:
خون کبوتر سفید+میعه خشک+پی گرگ+بیخ نی را در جایی که انسانها از انجا عبور نمیکنند(جنگل....بیابان و....) در شب به تنهایی در اتش انداخته تمام جن ها عاشق این بخور هستند صدها هزار از انها سریع دور شما جمع میشوند و شمارا دوست دارند .....

ورد:
شب موقع خواب با وضو در اتاق تاریک (سه بار)کف دست بنویسید(مهیب) نیت کنید چه در خواب میخواهید بفهمید و با کسی حرف نزنید و تنها بخوابید در خواب یک جن به شکل انسان میاید و پاسخ شمارا میدهد فقط جواهرات و چیزای فلزی با خودتان نداشته باشین

دیدن فرشتگان:
کسی که بعد از ریاضت در جای خلوت ۱۰۰۰ مرتبه تا ۴۰ روز الاحد گوید فرشتگان را در اطراف خود مشاهده کند و چنان می نماید که فرشتگان با وی همراهند.

کشف ارواح:
هر اسمی از اسما خدا که در ان کاف باشد مثل یا کافی اگر کسی ۱۰۰۰ مرتبه تا ۴۰ روز مداومت کند منجر به کشف ارواح می شود.

دیدن جن:

تخ مورچه را با مگس سبز در سایه مخلوط کرده وصلایه کنند ودر چشم کشند باعث دیدن اجنه ها می شود.

در دیدن روحانیات و اجنه ها:

در ناموس الاکحال بهترین کحل هاست که سبب رویت روحانیان می گردد و او را کحل اعظم گویند و عملش بر این وجه است که بگیرد چشم گرگ و چشم هدهد و عیون ثلاثه افراخ الخطاطیف و دیده غراب(کلاغ سیاه) و صفرا بزغاله و چشم غط سیاه بری (گربه سیاه) و صفرا او را همه خشک نماید و به هم عجین (مخلوط) کند و بعد از خشک کردن بکوبد ودر جایی که صدای خرس به آنجا نرسد در زیر طشتی که از ظرف که از مس که آب ندیده باشد یا ظرف شیشه ای در آتش نهد تا دوران بالا رود وظرف یا طشت تمام آن بسوزد وجمع شود پس آن دوده زا که کحل اعظم است را بردارد و کحل را در بامداد هنگام طلوع خورشید در چشم کند به میلی از چوب سود وچشم را تا نصف النهار باز نکند باز نصف اللیل استعمال کند و چشم را باز گذارد که روحانیان را ببیند و اگر دیده بوم و صفرای او را بدین ترتیب ونظم عمل نماید جنیان را ببیند و اگر شخص مجنون باشد شیطان او را نیز به عینه ببیند.

کحل دیگر: هم در رویت ایشان بگیرد صفراء قط اسود(گربه سیاه) و صفراء دجاج اسود (مرغ سیاه) و خشک کرده وبا هم عجین کند وبه چشم کند جن را به عینه ببیند و بعضی گفته اند مکحله را به مرارتین مزبورین آلوده کند و در چشم کند همانصورت مشاهده کند .

کحل دیگر: در رویت جن بگیرد بیض النمل (تخم مورچه) و با مغز رووس ذباب خضر(مغز مگس سبز) و خشک کرده با هم عجین کند در چشم کشد جنیان را معاینه و مشاهده کند.

اعمال خفا وناپدید شدن:

بیاورد بزی سالخورده وآن را ذبح کند و خون ومغز ودو چشمش را به هم آمیزد و در سایه خشک کند و بکوبد پس از آن در پارچه کتانی نهد به رشته کتان و در بازوی راست خود بندد هر جا که رود کسی او را نبیند.

بگیرد دست راست خفاش و در خرقه نو بدوزد و بر بازوی چپ ببند وسخن مگو و مخند تا تو همه کس را بینی وهیچ کس تو را نبیند.

جهت مشاهده عجایب صفراء سمور اسود(سمور سیاه) و خون خرس خشک کرده به سایه در چشم کند عجایب و غرایب بسیار مشاهده کند و در دیده هرکس که کشد همانحال روی دهد.

امام بعلبکی قدس الله فرمود: که بنویس بر پوست مار بخون کبوتر ۲۹ حرف ی بخط طولانی بر این وجه" ی " وشرط است که بیش از یک سطر نباشد سپس ان پوست را بسوزان هنگامیکه قمر در عقرب باشد به تسدیس مشتری وان را نگاه دار و هنگامیکه او را استفاده نماید دیده او از عارض بیاض ایمن شود و اگر مراره(صفراء جسم سبز رنگ) انسان را به آن بیفزاید و بدان اکتحال نماید اشخاص روحانی در نظر وی بیایند.

اگر کسی خواهد پریان را ببیند و با او سخن گوید باید بگیرد آینه ای از ضفر پاکیزه سفید وبر پشت آینه این حروف را نویسد ۱۱۱ه۱۱و۱و۱۱۱۱و ۱ ۶ ۱ ۹ ۹ ۱۱ در زیر سر خود گذارد در خانه خالی با کسی سخن نگوید و ۷۰ بار سوره توحید خواند و بخور بسوز به خون کبوتر و میعه وگوشت گرگ اجنه را در خواب بیند و هر چه پرسد از دفینه وسحر وغائب و امثال اینها جواب بشنود.

در کف دست نویسد و تنها بخوابد در خواب یکی از پریان بیاید و با تو سخن گوید اینست: "بسم الله شهث هث یهث" ولی باید نترسد ودل قوی دارد

بنویس بر دست ابهام و بخواب و با کسی سخن مگوی یی ا جنیان اید و تو را باخبر سازد از هر انچه خواهی اما باید که نترسی ودل قوی داری این است:"شمعون یهوه شروه ش و ه "

در کتاب خواص الحروف فرموده که مربعی بکشید و در او ۷" الف"بنویس و در تحت او هفت" واو" و در زیر او هفت "جیم" و باز در تحت او هفت" الف" و در زیر او ۴"دال" به این صورت وباید که با خون کبوتر سفید بنویسد بر خرقه پاک و آن را به آتش نرم بسوزاند وآن را در جای پاکیزه نگه دارد و پس کحل اصفهانیرا که به گلاب مخلوط کرده باشند بار دیگر به طلای محلول بر مس احمر(قرمز و سرخ) بیایند و با خشکی کحل سازد و اکتحال نماید اشخاص روحانیه را معاینه کند.اینست:

اا	ا	ا	ا	ا	ا	
و	و	و	و	و	و	
ج	ج	ج	ج	ج	ج	ج
ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
د	د		د	د		

بنویسد بر حریر سفید در روز عطارد و در ساعت او در هم پیچد قدری از گوشت ماهی به وی آمیزد در رکوی پاکیزه با خود دارد از نظر خلق مخفی گردد اینست:

بسم الله الرحمن الرحیم یا تمخیثا یا نفیثا یا ملیثا یا طلبثا یا رهمیثا یا اهلیلا یا اعیثا یا طوثیا یا وخثا یا صثا یا محیثا

این عمل محتاج به تجربه است وهو اعلم.

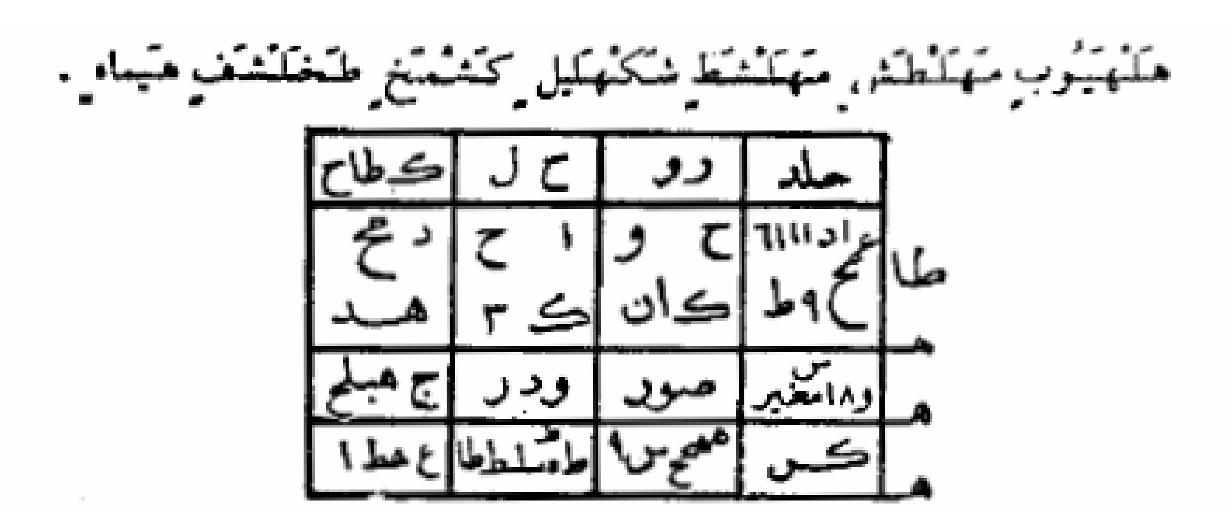
بنویس این حروف را به قلمی که از چوب زیتون تراشیده شده باشد به مشک و زعفران قبل از طلوع افتاب هر روز که باشد ولی چهارشنبه بهتر است ونوشته را در موم گرفته و از گردن دراویزد هر جاکه روی کسی تو را نبیند اینست:

در باب پرواز کردن و روی آب راه رفتن : "نسخه اصلی ومجرب"
و اگر خواستی تسخیرروحانیه طخملش برای خفاو راه رفتن روی آب و پرواز کردن در هوا و غیر دیگر کنی پس اسراری که نباید بر آن اطلاع یابد بر این حکمت لدنیه غیر از عامل پس هیچ کس پس بنویس طلسم زیر را در کاغذ به مشک و زعفران و گلاب وآویزان کن ان را در چهار شاخه زیتون یا انار یا برقوق (درخت شفتا لویا هلو یا شلی) یا طرفاء (درخت گز) یا ۴ تای انها و تو باید لباس پاک

وطاهر بپوشی و [illegible] باشی و مکان ولباست باید پاک باشد و در مکان خالی و خلوتی بنشینی و بگویی عقب هر نماز واجب ۴۰ مرتبه قسم زیر را و در شب ۱۰۰ بار به مدت ۷ روز پس در ۷ام ظاهر میشود برای تو نوری که در شب تابش می کند پس هنگامیکه دیدی آن را پس بگو:کاشِفُونی بِقدر استطاعتی مِنکُم پس ظاهر میشوند برای شما ۴ عدد ملائک و بر شما با اشاره گویند چه می خواهی:پس بگو به آنها می خواهم از شما که مرا تعلیم دهید علم حکمت و علوم پس بر تو ظاهر میشود ۴ تا غیر از آنها پس ۸ تا دیده می شوند پس بگو برای اول اینها چه هستند؟ سپس ظاهر می شود ۴ تای دیگر که در دست یکایک انها مصحف(کتاب)است پس بگویی برای صاحبان مصحف:أعطونی الطاعَه پس گویند بر تو با اشاره چه می خواهی پس بگو مرا تعلیم دهید همانطور که شما را تعلیم دادند پس تو را تعلیم دهند بگو ان چه را که می خواهی پس همانا انها تو را به اسمائی تعلیم دهند و حکم و دستور که برای تو ممکن میسازد برای خفا از چشم ناظرین , راه رفتن روی آب , پرواز کردن در هوا و هر چیزی که از آنها میخواهی که می اموزند آن را و از تو دور نمی شوند تا اینکه تمام شود طلسم و قسم این است:

ای صاحبی که اینرا عمل می کنی بدان که زحمات زیادی کشیده شد برای ترجمه وپیدا کردن این نسخه پس اگر می خواهی عامل این ریاضت شوی باید ا ز استاد صاحب نفس اجازت بگیری و به خدا توکل نمایی

قسم وطلسم



اینست:

هَلهَيُوبٍ مَهَلطَشٍ مَهَلشَطٍ شَكهَليلٍ كَشمَخٍ طَخَلشَفٍ هَيماءٍ

تمامی نسخه های بالا یا به رمز بود یا به زبان عربی بود که رمزگشایی وترجمه گردید.

- [آموزش طي الارض]
- طي الارض: روزي آيت الله سيد محمد طهراني از علامه طباطبايي پرسيدند : حقيقت طيرض چيست؟ علامه طباطبايي فرمودند: حقيقت طي الارض پيچيدن زمين در زير گام رونده است. روزي مرحوم محمد حسن الهي قاضي يك روز بوسيله شاگردي كه داشت و او احضار مي مي نمود(نه با آيیه و نه ميز سه گوش بلكه دستي به چشم خود مي كشيد و فورا الارض كرد) از روح مرحوم حاج ميرزا علي آقا قاضي-رضوان الله عليه- راجع به طي الارض سوال كرده بودند . مرحوم قاضي - رحمت الله عليه - جواب داده بودند كه :((طي براي شش آيه از اول سوره طه است)) تا ((له الاسما الحسني)) منبع : مهر تابان ص ۳۷۰ چله) رسيدن به طي الارض بايد اين صفات را در خود ايجاد كرد: - تزكيه كامل(حداقل ۴۰

متعددي - ترك محرمات در حد اعلي.هيچ شك وشبهه اي نبايد در اعمال باشد - روش هاي

: توسط عرفا بيان شده است مانند: اين روش توسط سيد علي آقا قاضي بيان شده است
.مداومت به قرائت سوره مباركه اخلاص حداقل ۷۰۰۰ بار در روز بعد ها بدون شمارش
انجام اين عمل بايد تا يكسال انجام شود

- معاينه ارواح:

و هنگامی که خواستی ببینی ارواح را پس در مکان طاهر خلوت کن وبخوان اسماء را در پشت هر نماز واجب ۲۱ مرتبه سپس بنویس اسماء مذکور را بر قلب شاهین یا عقاب (قره قوش) و بسوزان ان را و بسای آن را وبکش آن را در چشمت و کم کم میبینی آنها را به عین و از آنها بخواه هر چه را طلب کنی و آنها تو را باخبر خواهند ساخت. اسماء این است:
للطهطيل مهطهطيل قهطيطيل فهطيطيل تهططيل جهلططيل

آموزشهای طی الارض:

برای طی الارض سه راه وجود دارد:
طریق اول:

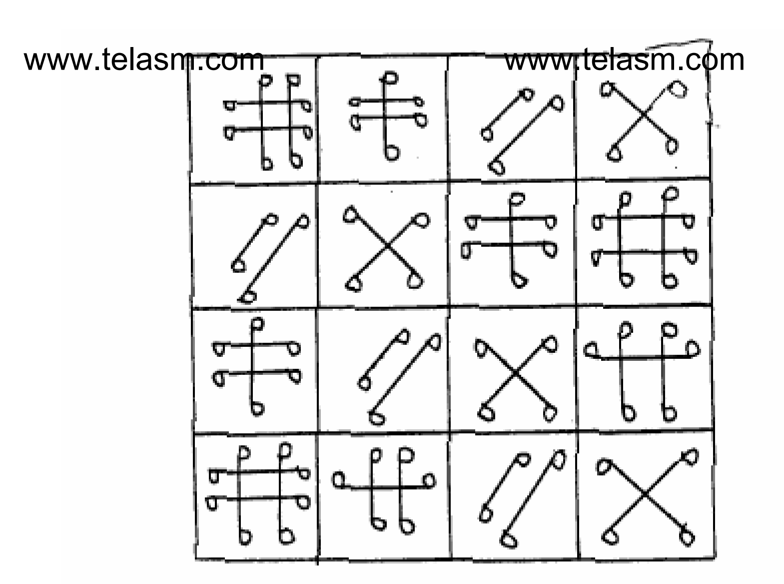
وان محتاج به ریاضت است و خلوت تا برای تو آشکار شود علامت های بیشمار در ایام خلوت و آن چنین است که نقش کنی اسماء زیر را بر عصایی از درخت بادام و آن اینست:

﴿ولما توجه تلقاء مدين قال عسى ربي أن يهديني سواء السبيل ولما ورد ماء مدين وجد عليه أمة من الناس يسقون ووجد من دونهم امرأتين تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وأبونا شيخ كبير فسقى لهما ثم تولى إلى الظل فقال رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير﴾ [القصص: ٢٢-٢٤]، وتقرأ العزيمة

وبخوان عزیمت شلشله القعقعان (که در پایین ذکر کردیم) بعد از هر نمازی ۱۰۰ بار و عصاء امام (جلویت)باشد و بخور عمل نیز پیشت باشد و اینچنین می بینی که عصاء بین دستانت می پرد و جهش می کند و این علامت پایان عمل است پس هنگامیکه اراده کردی به جایی بروی پس عصا را به دست راستت بگیر و چشمانت را ببند و ایات منقوشه بر عصا را بخوان سپس کمی صبر کن و چشمانت را باز کن خودت را در جایی که می خواستی خواهی یافت در اسرع وقت و مسیر یکساله را یک روزه پیموده ای.

طریق دوم:

وان اینست که بنویسی خاتم الشمال را در دست راستت سپس چشمانت را ببندد و دعوت آن را بخوان ۱۱ مرتبه و اسم شهری را که می خواهی به آنجا بروی را بعد از هر دفعه بگو پس در پایان عدد چشمانت را باز کن خودت را در مکان یا شهری که قصد آنجا را کرده بودی خواهی
یافت.



الخاتم الشمال

وهذه العزيمة:

بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله مفتاح كل باب، بسم الله رب الأرباب بسم الله معتق الرقاب، بسم الله باب كل باب، بسم الله كاشف الأستار، بسم الله خالق الأبرار، بسم الله منزل الأمطار، بسم الله غافر الذنوب، بسم الله علام الغيوب، بسم الله مطلع على القلوب، بسم الله الأول والآخر، بسم الله الظاهر الباطن، بسم الله عزيز معز من أعزه ومذل من أذله، كريم وهاب ومعتق الرقاب ينصر من أطاعه، ومذل من عصاه، أقسم وأعزم عليكم أيها الجان والأعوان والخدام والمردة والشياطين والغواصين والطيارين في الهواء وساكنين الجبال والتلال والرمال والأشجار، والسبعة والسبعين فرقة منكم، والجنود والعساكر والوزراء والملوك بحق الأسماء العظمى والآيات الكبرى وهي طاخ طاخ، طخوخ طخوخ طارخ طارخ، طرخوخ طرخوخ، طلخ طلخ، طلوخ طلوخ، اخنخوخ اخنخوخ، أخ أخ، أخناخ أخناخ، اخنخاخ اخنخاخ، اخنوخ اخنوخ، خونك خونك، أياريخ أياريخ، مياريخ مياريخ، مياريخ مياريخ، خلاخ خلاخ، خنخ خنخ، خيخ خيخ، أجيبوا وتوكلوا واقضوا حاجتي وهي . كذا وكذا . بحق هذه الأسماء العظام عليكم، أجب أيها الملك العظيم الكريم الخادم لهذه الدعوة والحاكم على خدامها وأعوانها وجميع المردة والشياطين أجب يا شلشتمطاخيم بحق الوزير الكبير والوزير الصغير وعزتهم عندك، وأنوارك المضيئة، وبحق ﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ﴾ [النمل: ٣٠-٣١] **طائعين لله رب العالمين، أجيبوا من قبل أن** ﴿يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ﴾ [الرحمن: ٣٥]، ﴿يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ﴾ [الأحقاف: ٣١]، **ومن لا يجب داعي الله فليس بمعجز في الأرض وليس له من دونه أولياء أولئك في ضلال مبين،** ﴿إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ﴾ [يس: ٥٣]، ﴿وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٞ لَّوۡ تَعۡلَمُونَ عَظِيمٌ﴾ [الواقعة: ٧٦] **الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة.**

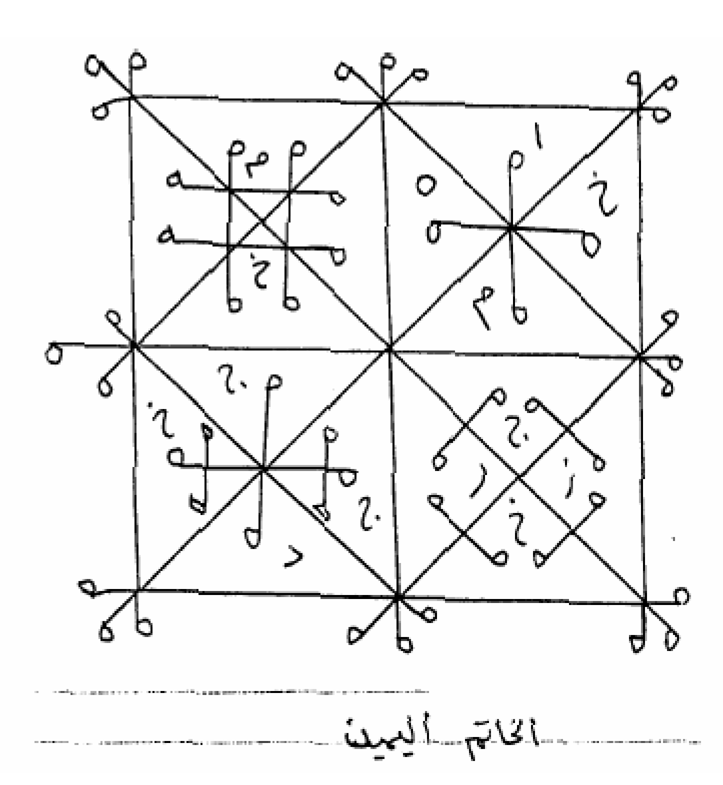
طریق سوم:

و ان طی کردن مسیر یک روزه در ساعت است پس هنگامیکه آن را خواستی بگیر قلب شاهین یا عقاب و متعلقات آن را و قرار بده نزد ان لبان نر و شب یمانی ساییده و مخلوط کرده و سپس در خورشید قرار ده تا خشک گردد هنگامیه خشک گردید آن را بسای پس هنگامیکه خواستی سیر مکان کنی بخوان اسماء زیر را ۱۰۰ بار و ببند(قرار بده) بر لباست چیزی از غبار معمول پس همانا تو قطع مسیر کردی واالله اعلم :

شتشال شاهول حيدرة بنود سام سموم كيوم بسروع هيشات كلماط شريبه هانوغ هانوخ مبيرة هترس شاتورة قبيرة شمل ترظا هاك لميا منياف غنشا جبرفة وكيمالا متجروا وليق كيطاس وشنال ميهرة لا يترداد هاع ويندارم ويبدولاق تم
وكمل والله أعلم.

راه رفتن روی آب:

هنگامیکه خواستی روی آب راه روی و چیزی حتی بلبل به تو اصابت نکند چس برای خدا ۳ روز روزه بگیر و در این مدت مرتاض باش و تو باید قرایت کنی عزیمت شلشله القعقعان(در بالا اورده ایم) بعد از هر نماز واجب ۱۱ مرتبه و بخور عود نزدت باشد وقرار بده خاتم الیمین هنگام خواندن نزدت و بعد از تمام شدن تمامی اعمال ریاضت ان به اذن خدا انجام می شود.



خفا (ناپدید شدن)

طریق اول:

هنگامیکه خواستی خفا کنی وهیچ کس تو را نبیند به جز خدا و فرشتگان پس بر ای خدا ۳ روز روزه بگیر و با نان جو افطار کن همراه زیتون پاکیزه و تلاوت کن قسم السلطنه ۳۱ مرتبه و در روز سوم بعد از نماز عشاء بکش خاتم زیر را همراه دعوت زیر به این طریق:

﴿وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾ [يوسف: ١٠٥] ﴿وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ [يس: ٩]، ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ [المؤمنون: ١١٥]، **توكلوا يا خدام هذه الآيات واخفوني عن أعين الناظرين بارك الله فيكم وعليكم** وتحمل ما كتبته على عضدك الأيمن فإنه لا يراك أحد والله أعلم وهذا هو الخاتم الذي تكتبه.

ف	ق	ج	م	خ	م	ت
ق	ج	م	خ	م	ت	ف
ج	م	خ	م	ت	ف	ق
م	خ	م	ت	ف	ق	ج
خ	م	ت	ف	ق	ج	م
م	ت	ف	ق	ج	م	خ
ت	ف	ق	ج	م	خ	م



و انچه را نوشته ای بر بازوی راستت ببندد وحمل کن وبه اذن خدا تو را کسی نمی بیند

قسم السلطنة

يدعى به لكل حاجة فيها جلب وتسخير وهو: **بسم الله وبالله، ومن الله وإلى الله، ولا غالب يغلب الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، أقسمت عليكم أيتها الأرواح الروحانية والملوك العلوية الطاهرة الزكية بحق حق الله وبقدرة قدرة الله**

وبعظيم عظمة الله وبسلطان سلطان الله، وبعز عز الله وبنور وجه الله، وبما جرى به القلم من عند الله إلى خير خلق الله محمد ﷺ ابن عبد الله تبارك اسم الله، وجل ثناء الله ولا إله غير الله حي قيوم بديع السماوات والأرض ذي الجلال والإكرام، عزيز جبار متكبر قهار قادر مقتدر قوي شديد البطش شديد العقاب، لا يغلبه غالب، ولا يفوته هارب وبحوله وقوته وبعظمة أسمائه وآياته.

أقسمت عليكم يا ملائكة رب العالمين بحق أسماء الله الذي تكلم بها على السماوات فرفعت وعلي الأرض فسطحت، وعلي العيون فتفجرت، وعلي النجوم فازدهرت، وعلى الأنهار فجرت وعلى الرياح فنشرت وعلى الشمس فأضاءت، وعلى الليل فأظلم، وبحق الأسماء التي يحيي بها الموتى ويميت بها الأحياء، وبحق الآيات المكتوبات على سرادقات العرش وبحق ما في اللوح المحفوظ من الأسماء والنقش، وبحق من رفع السماوات بلا عمد وبسط الأراضين على ماء جمد بقدرة الواحد الأحد الفرد الصمد الذي اتخذ إبراهيم خليلاً وكلم موسى تكليماً وخلق عيسى من روح القدس، وبعث سيدنا محمد ﷺ نبياً ورسولاً بقدرة الواحد الأحد الذي أضاءت به السماوات والأراضين وأنارت به الشمس والقمر وخضع له كل شيء لقدرته ﴿وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ﴾ [الرعد: ١٣] **إلا ما حضرتم في حضرتي وأجبتم دعوتي وقضيتم حاجتي**

أقسمت عليكم بحق التوراة والإنجيل والزبور والفرقان العظيم، ﴿هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْآخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ٣] وهو العلي العظيم، أقبلوا بخيلكم ورجالكم ونساءكم وصغيركم وكبيركم لا يتخلف منكم أحد إن كنتم لله طائعين ولأسمائه خاضعين، وبحق من شق سمعكم وأبصاركم وخلقكم من نار السموم، أجب يا أبا طارش ويا أبا ديباج ويا أبا ظريف ويا أبا عفيف ويا أبا محمد الغواص ويا أم الزمازم، بحق ما تلوته عليكم، وبحق أهيا شراهيا أدوناي أصباؤت آل شداي اسمعوا وأطيعوا من قبل أن يسلط عليكم الملك شرنطائيل وسراهيل الذي خلقه الله تعالى وجعل كلامه كالرعد القاصف وعيناه كالبرق الخاطف وصرخته كالريح العاصف البعيد شأنه، القوي في جيوشه الروحانيون، الهائل المنظر، صاحب البحر الأخضر الذي تتزلزل من هيبته الجبال والأشجار، الذي خلقه الله

وخلق له ألف رأس في كل رأس ألف فم في كل فم ألف لسان وكل لسان منهم يسبح الله تعالى بألف لغة لا تشبه بعضها بعضاً بين يديه عامود من النور، إذا هزه لقضاء ربه قطر منه ألف شرارة كل شرارة أكبر من جبل (أُحُد) تحرق من عصى الله وعصى أسمائه، ينادي بين الكواكب والأبراج سبحانك لا إله إلا أنت عجبت لمن أيقن بالموت كيف يفرح، أسألك اللهم أن تسلطني على ملوك الجن والشياطين وعلى من عصى قسمي أجيبوا طائعين بحقه عليكم فإني زجرتكم، بعزة جبريل، وبقوة ميكائيل، وبنفخة إسرافيل وبقبضة عزرائيل وبلفظة شراهيل وزفرة جهنم وبقوة النار اسمعوا وأطيعوا من قبل أن تنزل عليكم الملائكة بالمحاريق، يهتكون أستاركم، ويقطعون أوصالكم ويحرقون أولادكم بالنار الحامية، ﴿نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا﴾ [الكهف: ٢٩] وهم ملائكة الغضب والسخط إن أنتم عصيتم أسماء ربي وربكم ولم تقضوا حاجتي، زجرتكم وقهرتكم بكلماته العظام، وأسمائه الكرام، أجيبوا وافعلوا - كذا وكذا - الوحا العجل الساعة بارك الله فيكم وعليكم؛ تمت الدعوة والحمد لله رب العالمين.

طريق دوم:

وفق زير را در پوست آهوی دباغی شده بنويس با صبر ونشادر و در ساعت نيک در روز اول ماه قمری همراه با بخور بيروج پس آن پوست شکل طاق مانند(کلاه باشد بهتر است)پس هنگاميکه وقت زوال آمد و هيچ ابری که در اسمان نباشد پس زير خورشيد بايست وکلاه را بر سرت بگذار وعزيمت زير را بخوان تا هنگاميکه سايه ات محو شود پس هنگاميکه مخفی شدی کمی صبر کن و سخن نگو و تا هنگاميکه حرف نزدی وکلاه در سرت هست ديگران تو را نخواهند ديد والله اعلم واين شکل وفق است ودر زير آن عزيمتی است که بايد قرائت شود:

الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	ت	م	خ	م	ج	ق	ف
لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	وهو	ف	ت	م	خ	م	ج	ق
وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	ق	ف	ت	م	خ	م	ج
يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	ج	ق	ف	ت	م	خ	م
الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	م	ج	ق	ف	ت	م	خ
وهو	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	خ	م	ج	ق	ف	ت	م
اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	م	خ	م	ج	ق	ف	ت
ت	م	خ	م	ج	ق	ف	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار
ف	ت	م	خ	م	ج	ق	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	وهو
ق	ف	ت	م	خ	م	ج	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك
ج	ق	ف	ت	م	خ	م	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو	الابصار
م	ج	ق	ف	ت	م	خ	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف	وهو
خ	م	ج	ق	ف	ت	م	وهو	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير	اللطيف
م	خ	م	ج	ق	ف	ت	اللطيف	وهو	الابصار	يدرك	وهو	لا تدركه الابصار	الخبير

وهذه هي العزيمة التي تقرأها: **أقسمت عليك بجلال جمال وجهك يا جميل يا جليل يا جاعل يا حنان أسألك أن تجعل علي دائرة من سرادقات جبروت خفيك يا خفي يا إلهي وسيدي ومولاي، أسألك نجاء الخفاء يا خفي أخفني عن الأبصار،** ﴿لَّا تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصَٰرُ وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ﴾ ، ﴿لَّا تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصَٰرُ وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ﴾ ، ﴿لَّا تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصَٰرُ وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ١٠٣] ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾ ، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾ ، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾ ، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾ ، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ١٢٩].

أقسم وأعزم بالأسماء الجميلة الطاهرة القدسية على الأرواح الروحانية أسرع إلي أيها السيد برهابيل أقبل أنت وأعوانك من الروحانية فإني عزمت عليكم أن تأتوني مسرعين ﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيْمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ۝ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ٣٠-٣١] **طائعين لله رب العالمين،** ﴿فَٱللَّهُ خَيْرٌ حَٰفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾ [يوسف: ٦٤] ﴿إِنَّ وَلِۦِّىَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ﴾ [الأعراف: ١٩٦]، **يا ملائكة الله الكرام اهبطوا على الأرواح العلوية النورانية وألبسوني معهم حلّة من طراز محاسن جلالكم التي من ألبستموها له يحجب عن إدراك المحسوسات، العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا؛** تم وكمل والله أعلم.



هنگامیکه خواستی در چشم دیگران دیده نشوی پس بخوان دعوت شلشله القعقعان(در بالا ذکر کردیم) ۱۱ مرتبه و فقط بخور کندر و عود کن و خاتم یمین را بنویس و در جیبت قرار بده وهمچنین بنویس و آنه را در عمامه یا کلاه که در سرت است قرار بده وهمچنین بنویس در دست راستت و حوط نفسک به (اطراف خودت) و به مکانی برو و هیچکس تو را نمی بیند والله اعلم

طریق چهار:

وهنگامیکه خواستی از چشم ناظرین و دشمنان وحاسدان مخفی شوی و دیده نشوی هر چند که در کنارشان باشی پس برای رضای خدا یک هفته کامل با تمامی شرایط ورع وتقوا روزه بگیر و بخوان عزیمت جلجلوتیه را ۷ مرتبه بعد از هر نماز واجب و مسبع زیر را در پوست گرگ دباغی شده بکش و از آن کلاهی بساز و در هر خواندن عزیمت کلاه بین و پیشت باشد و بعد از هر دفعه خواندن عزیمت بگو:اُخفونی عَن اعیُن- پس ذکر کن حاسد یا دشمنان یا غیره را- بحقّ ما تَلوتُهُ عَلیکُم پس هناگمیکه مدت و عدد تمام شد پس کلاه را سرت کن وبرو پیش آنهایی که ذکر کردی ابداً تو را نخواهند دید و اگر تو را هم ببینند قادر به اذیت کردن تو نخواهند بود والله اعلم شکل مسبع اینست:

وهذا هو الخاتم الشريف

ه	ح	IIII	#	م	ااا	☆
☆	ه	ح	IIII	#	م	ااا
ااا	☆	ه	ح	IIII	#	م
م	ااا	☆	ه	ح	IIII	#
#	م	ااا	☆	ه	ح	IIII
IIII	#	م	ااا	☆	ه	ح
ح	IIII	#	م	ااا	☆	ه

بدأت ببسم الله روحي به اهتدت
إلى كشف أسرار بباطنه انطوت
وصليت في الثاني على خير خلقه
محمد من زاح الضلالة والغلت
سألتك بالاسم المعظم قدره باجٍ
أهُوجِ جَلْ جَلْيُوتُ جَلْجَلَتْ

فكن يا إلهي كاشف الضر والبلا
بِهَيِّ جَلا هَمْني بِهَلْ بَهلْهَلَتْ
فأحيي إلهي القلب من بعد موته
بذكرك يا قيوم حقاً تقومت
أحد يا إلهي فيه علماً وحكمة
وطهر به قلبي من الرجس والغلت
وزدني يقيناً ثابتاً بك واثقاً
بحقك يا حق الأمور تيسرت
وصب على قلبي شآبيب رحمة
بحكمة مولانا الحكيم فأحكمت
أحاطت بنا الأنوار من كل جانب
وهيبة مولانا العظيم بنا علت
فسبحانك اللهم يا خير بارىء
ويا خير خلاق ويا خير من بعث
أفض لي من الأنوار فيضة مشرق
علي وأحيي ميت قلبي بطيطفت

ألا وألبسني هيبة وجلالة
وكف يد الأعداء عني بغلمهت
ألا واحجبني من عدو وظالم
بحق شماخ أشمخ سلمة سمت
بصمصام مهراش بحرف مطلسم
بمهراش طمطام بها النار أخمدت

بنور جلال بازخ وشرنطخ
بقدوس برهوت به الظلمة أنجلت
ألا واقض يا رباه بالنور حاجتي
ويا أشمخ جليا سريعاً قد انقضت
ويسرى أموري يا ميسر وأعطني
من العز والعلياء عزاً تساميت
وسلم بسحر وأعطني خبر برها
وأسبل علي الستر واحجب من الغلت
وبلغ به قصدي وكل مآربي
بحق حروف يا إلهي تجمعت
بسر حروف أودعت في عزيمتي
تبلغنا الآمال جمعاً بما حوت
بيائيوه نموؤه أصاليا
نجا عاليا يسر أموري بصلصلت
ألا واكفني يا ذا الجلال بكاف كن
بنص حكيم قاطع السر أسبلت
وخلصني من كل هول وشدة
فأنت رجاء للعالمين ولو طغت
وصب علي الرزق صبة رحمة

فأنت رجا قلبي الكسير من الخبت
وصم وأبكسم ثم أعم عدونا
وأخرسهم يا ذا الجلال بحوسمت
ففي خَوْشَمٍ مع دوسم وبراسم
تحصنت بالاسم العظيم من الفلت

وعطف قلوب العالمين بأسرهم
عليّ وألبسني قبولًا بشلمهت
وبارك لنا اللهم في جمع كسبنا
وحل عقود العسر يا يوه أرمخت
فباوِ ويابوِ ويا خير بارئ
ويا من لنا الأرزاق من جوده نمت
نرد بك الأعداء من كل وجهة
وبالاسم ترميهم من البعد بالشتت
فأنت رجاتي يا إلهي وسيدي
ففرق لمبم الجيش إن رام بي غلت
فيا خير مسؤول وأكرم من أعطى
ويا خير مأمول إلى أمة خلت
بتعدادِ أيزامِ بسنداد كاهرِ
ببهراة تبريز بلام تكونت
سراج يقاد النور سراً بتاكر
يقاد سراج النور نوراً فنورت
أبَارِيخ بَيرُوخ وَبَبرُوخُ بَزخوا
شَمَارِيخ شِيرَاخُ شَرُوخِ تشمخت
بيمليخ شميالا ويا نوخ بعدها
ودامبيخ يشموخ بها الكون عطرت
على ما نَرُمْ خقا يَرُوْنَ بِقَنقَبِ

بحق [illegible] تزاحمت

كماه بياو مَغ أوَاوِ جميعها

بِهشكاخِ هشكاخ كنونِ تكوَنت

حروف لبهرام علت وتشامخت

وأسماء عصى موسى بها الظلمة انجلت

توسلت مولانا إليك بسرها

توسل ذي عزبة العالم اشتدت

تقد كوكبي بالاسم نوراً وبهجة

مدى الدهر والأيام يا نور جلجلت

فيا شمخشا يا شلمخا أنت شلَمَخُ

ويا عبطلان غوث الرياح تَسَخلخلت

بك الطول والحول الشديد لمن أتى

لباب جنابك وارتجى ظلمة جلت

بـ﴿طه﴾ و﴿طس﴾ و﴿يس﴾ كن لنا

بطاسين ميم بالسعادة أقبلت

بـ﴿كاف﴾ وها يا ثُمّ عين وصادها

كفايتنا من كل سوء بشلمهت

بـ﴿حم﴾ عين، ثم سين، وقافها

حمايتنا منها إذا الجبال تزلزلت

بألف ولام ثم ميم وصادها

جذبت قلوب العالمين فأقبلت

بألف ولام ثم ميم ورائها

تجلت بنور الاسم والروح قد علت

بقاف ونون ثم صاد وما انطوى

من السر والأسرار فيها وما حوت

بما في كتاب الله من كل سورة

سـألـتـك بـالـقـرآن والـكـتـب كـلـهـا
بـأسـمـائـك الـعـليـا بـآيـات فـصـلـت
دعـوتـك يـا ربـاه حـقـاً وإنـنـي
تـوسـلـت بـالآيـات جـمـعـاً بـمـا حـوت
بـسـر حـروف أودعـت فـي عـزيـمـتـي
عـلـوت بـنـور الاسـم والـروح قـد عـلـت
ثـلاث عـصـي صـفـفـت بـعـد خـاتـم
عـلى رأسـهـا مـثـل الـسـنـان تـقـومـت
ومـيـم طـمـيـس أبـتـر ثـم سـلـم
وفـي وسـطـهـا بـالـجـرتـيـن تـشـركـت
وأربـعـة شـبـه الأنـامـل صـفـفـت
تـشـيـر إلـى الـخـيـرات لـلرزق جـمـعـت
وهـاء شـقـيـق ثـم واو مـقـوس
كـأنـبـوب حـجـام مـن الـسـر الـتـوت
وآخـرهـا مـثـل الأوائـل خـاتـم
خـمـاسـي أركـان ولـلـسـر قـد حـوت
بـهـا الـعـهـد والـمـيـثـاق والـوعـد والـوفـا
وبـالـمـسـك والـكـافـور والـنـد خـتـمـت
وأزكـى صـلاة مـع أجـل تـحـيـة
عـلى الـمـصـطـفـى والآل مـن أمـة تـلـت

تمت وكملت والحمد لله رب العالمين.

وأضاف بعض المشايخ إليها أبيات في خواصها فقال:

طریق پنج:

هنگامیکه خواستی احدی تو را نبیند بخوان عزیمت برهتیه همراه زجر آن را ۷۲ مرتبه و بعد از هر دفعه بگو:"أخفونی عَن اعیُنِ النّاس بالاله الخَفیّ عَنِ الأبصار" پس تو می بینی آنچه را که میخواهی

بسم الله القديم الأزلي المحيط الذي أحاط بعلمه جميع المخلوقات، القديم الأبدي الذي لا ابتداء لقدمه وليس له انتهاء الذي أشرق بساطع نور وجهه جميع الأكوان وأمدها بقدرة هيبته، على كل ملك وفلك وجن وشيطان وسلطان، فخافته جميع مخلوقاته وأذعنت وتواضعت الملائكة المقربون من أعلى مقاماتها وسجدت وأجابت دعوة اسمه الأعظم لمن تكلم به وأسرعت بالإجابة بالبراهين المحكمة المكتوبة في ألواح قلوب المتصرفين بسر بدوح أجهزط، وأقسمت عليكم أيتها الأرواح الروحانية العلوية والسفلية وخدام هذا العهد الكبير أن تجيبوا دعوتي وتقضوا حاجتي بعزة برهتية برهتية كرير كرير تتلية تتلية طوران طوران مزجل مزجل بزجل بزجل ترقب ترقب برهش برهش غلمش غلمش خوطير خوطير قلنهود قلنهود برشان برشان كظهير كظهير، نموشلخ نموشلخ قزمز قزمز انغلليط انغلليط

قبرات قبرات غياها غياها كيدهولا كيدهولا شمخاهر شمخاهر شمخاهير شمخاهير شمهاهير شمهاهير بكهطهونية بكهطهونية بشارش بشارش طونش طونش شمخاباروخ شمخاباروخ، اللهم بحق كهكهيج يخطش يلطشفشويل أمويل جلدم بهجما هجليج مهفياج، ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ﴾ [الشورى: ١١] بحق هذا العهد المأخوذ عليكم يا خدام هذه الأسماء عليكم بالانقياد وتنفيذ ما أمرتكم به في وقتي هذا بعزة العزيز المعتز في عز عزه، ﴿وَأَوْفُوا۟ بِعَهْدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا۟ ٱلْأَيْمَٰنَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ ٱللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا﴾ [النحل: ٩١] احضروا واسمعوا وأطيعوا وكونوا عوني على جميع ما أمرتكم به بحق الاسم العظيم الأعظم الذي أوله آل وآخره آل وهو آل شلع يعو يوييه واه آه بتكمه بتكفال بصمي كمي ممیال حطیع لك يا آل ما أعظم اسمك يا آل جل زريال ما سمع اسمك روح وعصا إلا صعق واحترق من نورك يا ذا النور الأعظم أقسمت وعزمت عليكم بعالم الغيب والشهادة الكبير المتعال وبحق الاسم الذي تعاهدتم به عند باب الهيكل الكبير وهو بعلشاقش بعلشاقش مهراقش مهراقش أتشامقش أتشامقش شقمونهش شقمونهش ركشا كشلغ عكش طهش ﴿وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾ [الجن: ١٧] وبحق آهيا شراهيا أدوناي أصباؤت آل شداي وبحق أبجد هوز حطي وبحق بطد زهج وأح وبحق بدوح أجهزط ﴿وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾ [الواقعة: ٧٦] الوحا العجل الساعة بارك الله فيكم وعليكم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

يقرأ لاستنزال الملوك وكل ما تريد من الأرواح وعدد تلاوته مرة في الصباح ومرة في المساء، وعند كل عمل سبع مرات، وبخوره كل ذي رائحة طيبة وهو هذا **بسم الله الرحمٰن الرحيم، أعزم عليكم يا معشر الجان بقوله تعالى :** ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ [الجن: ١-٥]، واعزم عليكم بقوله تعالى: ﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ [يس: ٥٣]، اعزم عليكم أن تحضروا إلى حضرتي هذه ومقامي هذا، وأعزم عليكم بقوله تعالى: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الأحقاف: ٢٩-٣٠] فأجيبوا وأطيعوا ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا وهم لا يسمعون ﴿وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ﴾ [الأنفال: ٢٣]، **أجيبوا وعجلوا بالأجنحة الطيارة واللغات المختلفة والأصناف العجيبة إن الله على جمعهم إذ يشاء قدير أين الطيارون في الهواء أين المسترقون السمع من السماء، أين الغواصون تحت أطباق الثرى أين الاثنان وسبعون قبيلة من قبائل الجن المأذونة بالطاعة تحت دائرة خاتم سليمان** بن داود ﷺ **أين الملك سيدوك صاحب الجلبة والخاتم مرحباً بالملوك والمذهب صاحب يوم الأحد ومرّة بن الحارث صاحب يوم الاثنين وأبو محرز الأحمر صاحب يوم الثلاثاء وبرقان صاحب يوم الأربعاء وشمهورش القاضي ابن الوليد صاحب يوم الخميس وأبو النور الأبيض زوبعة صاحب يوم الجمعة وميمون السحابي صاحب يوم السبت، أجيبوا طاعة الله الذي دعاكم بالسبع المثاني والقرآن العظيم مرحباً مرحباً بالملوك أن ائتوا طائعين فلا طاعة لمخلوق على مخلوق بل الطاعة للواحد القهار ومن أتاني طائعاً فقد أطاع الله عز وجل فإني ما دعوتكم إلا بأسمائه وكلامه ومن عصاني فقد احترق بشواظ من نار ومن أتاني طائعاً فقد سلم من سخط الجبار**

فعجّلوا أو احضروا في مجلسي هذا بجبريل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل والملائكة المقربين وهم عن ذكر ربهم لا يفترون رب الأرباب ومسهل الأمور الصعاب ومسبب الأسباب ومعتق الرقاب العزيز الوهاب الذي تقطعت الرواسي الشامخات لعظمته، وذلت الرقاب لجبروته، وسجد كل شيء لربوبيته طوعاً لأمره ولهيبته، فهو نور النور ونوره في نور، ونور يُخضع كل جبار عنيد وشيطان مريد مثل النور على الطور في كتاب مسطور، هو الله الذي لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون، أين عبّاد الشمس وعبّاد السماء، أين عبّاد الأوثان، أين النصارى واليهود أجيبوا داعي الله، من كان منكم من أشباح أرواح اليهود فإني أقسمت عليكم بالعهود ومما كتب في آيات السور وبحق من أنبع الماء من الجلمود بتوراة موسى وزبور داود، ومن كان من أشباح أرواح النصارى فإني أقسمت عليكم بإنجيل عيسى، وإن كنتم من أشباح أرواح المسلمين فإني أقسمت عليكم بمحمد ﷺ خاتم النبيين، ﴿أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ٣١]، وما دعوتكم إلا في قضاء حوائج المسلمين؛ تم وكمل والحمد لله رب العالمين والله أعلم.

برای حرکت دادن جمادات وشکستن اشیاء ثقیل:

طریق اول:

هنگامیکه خواستی سنگهای سنگین و کوچک وبزرگ را بشکنی یا از مکانش تکان دهی پس بنویس بر آن اسماء ملوک اربعه: جبرائیل میکائیل اسرافیل و عزرائیل و بخور پاک و طیب بسوزان و قرائت کن بر آن دعوت السباسب الکبری را ۳ مرتبه سپس به سنگ بزن توسط جریده خضرا(کاغذ سبز) که قطعا نوشته ای اسماء رئوس اربعه را و ان:**طیکل مازر کمطم قسوره** پس همانا سنگ از مکانش تکان می خورد والله اعلم دعوت السباسب اینست:

دعوة السباسب الكبرى

وهي دعوة عظيمة يخضع لها جميع الملوك والأرواح العلوية والسفلية وكل عفريت ومارد وشيطان وجني فاعرف قدرها تصنع بها العجائب وهي هذه:

بسم الله الرحمٰن الرحيم بسم الله الذي احتجب عن الأبصار فلا يرى، رب السماوات السبع والأراضين السبع وما فيهن من الورى، سبحانه وتعالى الذي عجز كل شيء عن كيفيته وكل واصف عن وصف صفاته لا يبلغ وصف صفاته الواصفون، ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ٢٥٥] المتفرد بالملك والملكوت المعتز بالجبروت في جبروته، الحي القيوم الدائم الباقي الذي لا يموت، الذي جلّ في مقامه وتجلى في مقامه وتقدّس في أسمائه، باسط الأرض على الهواء بلا أركان ورافع السماء بلا عمدان وقاهر العباد بلا أعوان رب الظلمات والنور والظل والحرور والبحر المسجور المنكشف على جميع الأمور، الكبير العزيز العظيم في سلطانه الدائم في ملكه وبقائه وملكوته، الشديد في بطشه القوي في أخذه العادل في حكمه الصمد السّرمدي بسرمديته في أبديته الوحدانية المحيط بكل شيء علماً، الذي سبح كل شيء لعظمته، وطار كل روح من مخافته، وسكن كل شيء لسطوته وسلطانه

وذل كل عزيز لهيبته وجبروته وتواضع كل شيء لجلاله وكبريائه الذي أضاء كل شيء بنوره، لا إله إلا هو الملك المعبود مخرج الأشياء من العدم إلى الوجود فسبحان الله ذي الجلال والإكرام والحمد لله الموصوف بالكمال والجلال والجمال والبرهان والإحسان، اللهم إني أسألك بكل اسم هو لك سميت به نفسك أو أنزلته في كتابك أو علمته لأحد من خلقك أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تسخر لي الرؤوس الأربعة مازر وقسورة وطيكل وكمطم يقضوا حاجتي، قضاء يكون لك فيه رضاء ويكون لي فيه صلاح، ويكون لي فيه خير الدنيا والآخرة متمماً بجميل الخاتمة، أجيبوا وعجلوا واستعجلوا فإني أستغفر الله العظيم وأستعين عليكم بالله المحيط المجيد، والحمد لله الحميد، توكلت على الله واستعنت عليكم بالله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم الله أكبر الله أكبر الله أكبر، أقسمت بالله أيها الرؤوس الأربعة والملوك السبعة الأرضية أنتم وخدامكم وأعوانكم وأتباعكم وأشياعكم، أقسمت عليكم بالتوراة والإنجيل والزبور والفرقان والعشر كلمات

والعزائم والأقسام السريانية والأقسام العبرانية والأقسام العربية وبالقرآن وما فيه من الأسماء والآيات والأحكام الفرقانية وبآهيا شراهيا أدوناي أصباؤت آل شداي، ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوۡ تَعۡلَمُونَ عَظِيمٌ﴾ [الواقعة: ٧٥-٧٦]، إنه من سليمان وإنه بسم الله الرحمٰن الرحيم ﴿أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ﴾ [النمل: ٣١]، مسرعين طائعين لرب العالمين، أجيبوا أيتها الأرواح والملائكة الكرام والجن والرؤساء العظام وعجلوا بالإجابة بحق الله الحي القيوم بديع السماوات والأرض مالك الملك ذي الجلال والإكرام، وأقسمت عليكم بحق سباسب سباسب سبوكة كطهطم سبوكة كهطهطم تقلقلت تقلقلت تزعزعت تزعزعت تزلزلت تزلزلت مطلق مطلق مطاق مطاق، أين الرؤوس الأربعة أين الأجناد القوية أين القمارية أين السماوية أين الأرضية أين الهوائية أين النارية أين المائية أين الترابية أين السحابية أين الغمامية أين العلوية أين السفلية أين الصماصمة أين القماقمة أين الصقالبة أين الطماطمة أين بني غيلان أين الغلانية أين بني دمدم أين بني دردم أين بني كردم أين خميس أين غاصوب أين بني عاصوبة أين بني غصوة أين صاحب جبل الدخان أين جرمشة أين هرمشة أين جماريش أين قمرش أين تماريش أين قهرش أين قهاريش أين طارش أين قفارش أين فشاريش أين ماريش أين عيلهورش أين غملوش أين

غيربوش أين صعاش أين كريوش أين الراكب على الفيل أين المقهم بالثعبان أين الطيارين بين السماء والأرض أين زمزم أين العادون، أجيبوا واسمعوا وعجلوا واحضروا إلي الخديم بما أمرتكم به بحق الرؤوس الأربعة عليكم أجيبوا أيها الخدام الخديم المتوكل بالسمع والطاعة، أنتم وجميع الصقالية والطماطية الكبار وانفذوا وافعلوا واطردوا كل شيطان مارد بما أمرتكم به ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا وهم لا يسمعون فاستمعوا لما يوحى إليكم بالله أقسم عليكم وبجلالة وبحق اللوح والقلم وبحق جميع الأنبياء والمرسلين وما أنزل عليكم من العلم والحكم أن تأتوا لأسماء الله طائعين ﴿وَبِٱلۡحَقِّ أَنزَلۡنَٰهُ وَبِٱلۡحَقِّ نَزَلَ﴾ [الإسراء: ١٠٥]، ولا تتأخروا عنها، أولكم وآخركم يحضروا الساعة ولا يعصي بعضكم بعضاً الحاضر منكم يعلم الغائب ولا عدوان إلا على الظالمين الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة ﴿أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾ [البقرة: ١٤٨]، أين عليوش أين كيلوش أين عربوش بحق الرؤوس الأربعة وبحق صماصم صماصم هدام هدام قماقم تماقم قمقوم قمقوم ضمدعوع ضمدعوع سموع سموع شموع شموع سلوع سلوع سروع سروع شلوخ شلوخ شريخ شريخ شرخ شرخ ﴿إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ

مَسْئُولًا﴾ [illegible] ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا﴾ [النحل: ٩١] أقسمت عليكم بالله الذي لا إله إلا هو رب العرش استوى وعلى الملك احتوى وعلى عباده تجلى وله الأسماء الحسنىٰ والصفات العليا والآية الكبرى العزيز الأعلىٰ المحجوب فلا يرى الذي له اسم لا ينسى ونور لا يطفىء وعرش لا يزول وملك لا يحول ولا يزول وكرسي لا يتحرك، الذي ﴿تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا﴾ [الأعراف: ١٤٣] أجب يا درديائيل الملك الذي له ألف رأس في كل رأس ألف وجه في كل وجه ألف لسان لكل لسان ألف لغة يسبح الله تعالى بلغات مختلفة لا يشبه بعضها بعض بالروحانية والعبرانية، أجب يا طهكفيائيل الملك الكريم الرئيس الجليل صاحب الفلك الرابع والمقام السابع الذي لله ساجد ولكلامه سامع، أجب يا مازر الذي عمامته مكللة بالدر والياقوت، بحق الواحد القهار الصمد الذي خلق الخلق وأحصاهم عدداً، أجب يا كمطم صاحب القلم الذهب والمحبرة الفضة الذي تخاف منه جميع أجناده بحق الله الحي القيوم الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد، لا مثال لوصفه،

أجب يا قسورة الذي إذا مشى أو نطق تزعزعت منه الكراسي والأركان والأكام وتخضع له جميع الأكاسرة وجميع قوّاده بحق ﴿اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ٢٥٥]، وبحق القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير، أجب يا طيكل الذي يخرق كلامه جميع العوارض والحجب ولا يُرد له كلام وينفذ في جميع الأعمال، أجب يا ميططرون صاحب السوط بالذي يسبح الرعد بحمده والملائكة من خفيته، أجب يا شدخيائيل الذي يحكم على العلوية والسفلية، أجيبوا بارك الله فيكم وبحق هذه الأسماء أقسمت عليكم بجلال الله تعالى وعظمته أن تأمروا الخديم بالخدمة ومكّنوه بقوتكم وأعينوه بأجنادكم وأولادكم وأعوانكم وأتباعكم وأشياعكم وخدامكم وأزعجوهم لحاجتي إزعاجاً حثيثاً حتى ينفذوا جميع ما آمرهم به وأوكلهم عليه ولا يؤذوني في يقظتي ولا في منامي ولا يؤذىٰ أحداً من أهلي ولا من أولادي ولا يضروني في مالي ولا في عيالي ولا يفارقوني في ليل ولا في نهار ويكونوا لي حرزاً وحصناً منيعاً حتى لا يصل إلي شيء من الجن ولا من الإنس ويحفظوني من كل شيطان رجيم بقدرة رب العالمين بحق منامكم وأجنادكم وأولادكم وبحق عهودكم وأيمانكم وبحق الله تعالى

مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ﴾ [الذاريات: ٤٢] ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا [illegible] بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الكهف: ٢٩] ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ [التوبة: ٤٩]، ﴿فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ﴾ [المؤمنون: ١٠٣-١٠٤] ﴿يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [العنكبوت: ٥٥] ﴿نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ﴾ [الهمزة: ٦-٩] خشنشطرح خشنشطرح خشنشطرح أجب يا قاتل اقتل من عصى وتمرد على أسماء الله تعالى من الطغاة المتكبرين من جنود إبليس أجمعين سرابيع سرابيع سرابيع طرام طرام طرام فوار فوار فوار خل خل خل ماخلِ ماخلِ ماخلِ خللِ خللِ خللِ ازجر يا

مازر وأمر قومك يا قسورة ووكل واحضر بهم يا طيكل وعجل يا شرطيال واخدم يا كمطم برازر ازازر أجيبوا بارك الله فيكم وعليكم ومن أطاعني منكم وأطاع الله ورسوله وخشي أليم عذابه أسرعوا وامرضوا وارمدوا واحرقوا واسقموا واطردوا كل شيطان مارد وجبار عنيد وبينوا إليّ كل خفية وأبطلوا لي كل حركة وطلسم وعقد كل سحر ولا تزهدوني واسلكوا المقام المعلوم وكونوا لي في المنام معلمين واشرحوا واظهروا كل كنز وجنية وبينوا لي كل مطلب وكونوا لي في المنام معلنين وفي يقظتي طائعين واكشفوا لي كل شيء أسميه لكم كشفاً بيناً حتى تفهمه من دون إشكال، ﴿وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ [البقرة: ٧٢].

وأحضروا لي أصحاب كل يوم وليلة مهما دعوتكم بأمر أو سؤال وكونوا لحاجتي أي حاجة قدمتكم فيها قاضين وكل عدو سلطتكم عليه منتقمين وأمروا الخديم أن لا يفارقني رمشة عين مهما دعوته ويفعل مرادي إن دعوته لأمر أو سؤال والاختفاء من الأبصار ويفعل جميع ما آمره به وعلى ما أوكله عليه مما ذكرته ومما لم نذكره بحق آدم آدم أردم أردم أردام أردام سام سام سباسب سباسب وحكم قاض وسيف غالب، وأطيعوا وأظهروا لي برهان الإجابة بحق سدم سدم هدام هدام هزام هزام وبحق السباسب والغياهب حيثما سألتكم وجدتكم بحق النور والنيران وبحق كفة الميزان وبحق الحجر الأسود والبرهان وبحق العهود والإيمان وبالله الواحد المنان وبحق صفصف صفصف صفاصف صفاصف صاف صاف دردم دردم أين شردم أين كردم أين دمدم أين الدمادمة أين الطماطمة أين بني مرة أين العادون أين الأعوان أين الرؤوس الأربعة أين أصحاب الشهيق والنهيق الزعيق والحريق أين

مرجان أبي [illegible] النديم وأمروا الخدام أن [illegible] تأمرهم به

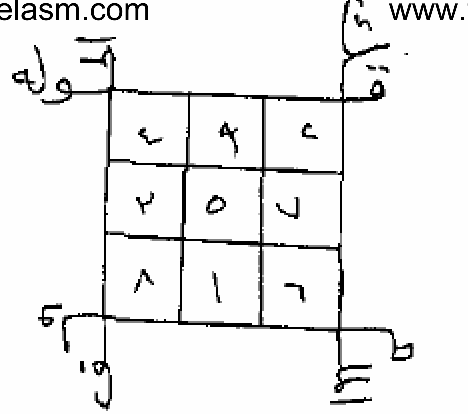
وتوكلهم عليه وينفذوا أمري ويقضوا حاجتي وحوائجي بإذن الله تعالى بحق ما تكلمت به وتلوته عليكم من أسماء الله تعالى العظام وبحق الرؤوس الأربعة الله عونكم يا مازر وكمطم وقصوره وطيكل بحق السباسب السبعة سباسب سباسب وحم قاض وسيف غالب أن تسرعوا لقضاء حاجتي الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة، ﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ [يس: ٥٣]، ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الواقعة: ٧٥-٨٠]، ﴿إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ٣٠-٣١]، مسرعين طائعين لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وسلم؛ تمت وكملت الدعوة المباركة.



طریق دوم:

واگر خواستی که چیزهای سنگین حرکت کند و ان محتاج به ریاضت است (ریاضت کامل) به مدت ۷ روز و اینکه بکشی شکل زیر را و بخوانی عزیمت برهتیه را بر وفق بعد از هر نماز واجب **۴۵ مرتبه** و بعد از انتهای عدد و ان ۷ روز است میشود هر ان وقت که خواستی حرکت می کند جمادات(مثل سنگ ودرخت و...) و باید وفق را به روی ان بگذاری:

ويكمل والله أعلم



ومن لازم ذكر اسم مهراش قوي على حمل الأثقال والصخور الكبار وكذلك قويت روحه، وهو اسم أحد الملوك العظام وقيل إنه اسم من أسماء الله تعالى والله أعلم.

قسم إبتداء العزائم

يقرأ لاستنزال الملوك وكل ما تريد من الأرواح وعدد تلاوته مرة في الصباح ومرة في المساء، وعند كل عمل سبع مرات، وبخوره كل ذي رائحة طيبة وهو هذا **بسم الله الرحمٰن الرحيم، أعزم عليكم يا معشر الجان بقوله تعالى:** ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَقَالُوٓا۟ إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ۝ يَهْدِىٓ إِلَى ٱلرُّشْدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦ ۖ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا ۝ وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۝ وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا ۝ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا﴾ [الجن: ١-٥]، وأعزم عليكم بقوله تعالى: ﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ [يس: ٥٣]، اعزم عليكم أن تحضروا إلى حضرتي هذه ومقامي هذا، وأعزم عليكم بقوله تعالى: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓا۟ أَنصِتُوا۟ ۖ فَلَمَّا قُضِىَ وَلَّوْا۟ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ ۝ قَالُوا۟ يَٰقَوْمَنَآ إِنَّا سَمِعْنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الأحقاف: ٢٩-٣٠] فأجيبوا وأطيعوا ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا وهم لا يسمعون ﴿وَلَوْ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ ۖ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا۟ وَّهُم مُّعْرِضُونَ﴾ [الأنفال: ٢٣]، **أجيبوا وعجلوا بالأجنحة الطيارة واللغات المختلفة والأصناف العجيبة إن الله على جمعهم إذ يشاء قدير أين الطيارون في الهواء أين المسترقون السمع من السماء، أين الغواصون تحت أطباق الثرى أين الاثنان وسبعون قبيلة من قبائل الجن المأذونة بالطاعة تحت دائرة خاتم سليمان بن** داود ﷺ **أين الملك سيدوك صاحب الجلبة والخاتم مرحباً بالملوك والمذهب صاحب يوم الأحد ومرّة بن الحارث صاحب يوم الاثنين وأبو محرز الأحمر صاحب يوم الثلاثاء وبرقان صاحب يوم الأربعاء وشمهورش القاضي ابن الوليد صاحب يوم الخميس وأبو النور الأبيض زوبعة صاحب يوم الجمعة وميمون السحابي صاحب يوم السبت، أجيبوا طاعة الله الذي دعاكم بالسبع المثاني والقرآن العظيم مرحباً مرحباً بالملوك أن ائتوا طائعين فلا طاعة لمخلوق على مخلوق بل الطاعة للواحد القهار ومن أتاني طائعاً فقد أطاع الله عز وجل فإني ما دعوتكم إلا بأسمائه وكلامه ومن عصاني فقد احترق بشواظ من نار ومن أتاني طائعاً فقد سلم من سخط الجبار**

فعجلوا أو احضروا في مجلسي هذا بجبريل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل والملائكة المقربين وهم عن ذكر ربهم لا يفترون رب الأرباب ومسهل الأمور الصعاب ومسبب الأسباب ومعتق الرقاب العزيز الوهاب الذي تقطعت الرواسي الشامخات لعظمته، وذلت الرقاب لجبروته، وسجد كل شيء لربوبيته طوعاً لأمره ولهيبته، فهو نور النور ونوره في نور، ونور يخضع كل جبار عنيد وشيطان مريد مثل النور على الطور في كتاب مسطور، هو الله الذي لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون، أين عبّاد الشمس وعبّاد السماء، أين عبّاد الأوثان، أين النصارى واليهود أجيبوا داعي الله، من كان منكم من أشباح أرواح اليهود فإني أقسمت عليكم بالعهود ومما كتب في آيات السور وبحق من أنبع الماء من الجلمود بتوراة موسى وزبور داود، ومن كان من أشباح أرواح النصارى فإني أقسمت عليكم بإنجيل عيسى، وإن كنتم من أشباح أرواح المسلمين فإني أقسمت عليكم بمحمد ﷺ خاتم النبيين، ﴿أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ٣١]، وما دعوتكم إلا في قضاء حوائج المسلمين؛ تم وكمل والحمد لله رب العالمين والله أعلم.



در طی الارض

فقیر گوید :اگر خواستی طی الارض کنی اول یک عصا از بادام تلخ تهیه مینمایی و از سر آن شروع می کنی به نوشتن یا نقش نمودن اسماء الله هر اسمی که در ان یاء باشد مانندمانند لطیف و الحیکم و الحفیظ و الکریم والرشید و... ودر حین نقش نمودن می خوانی یا غنی۲ مرتبه و یا دیوش ۲ مرتبه و یا الله ۲ مرتبه و این آیات را:

"ولما توجه تلقاءمدین – الی – السبیل "(قصص:۲۲) وتری الجبال تحسبها جامده – الی – یفعلون "(النمل:۸۸) "واوحینا الی موسی ان اسر بعبادی انکم متبعون" (شعرا:۲۵) " و لقد خلقنا السموات والارض – الی – لغوب "(ق:۳۸) "ولوتری اذ فزعوا – الی – قریب "(سبا:۵۱) "ویسالونک عن الجبال – الی – امتا " (طه : ۱۰۵-۱۰۷) تلمیسٍ فوایشٍ ملطاشٍ حراشٍ ملطاش طیوشٍ وکلبهم قطمیر

فقیر گوید نسخه تا اینجا ذکر شده و ادامه را مینویسم این آیات واسماء را در حالیکه رو به قبله نشسته ای وعصا در مقابلت روی سجاده گذارده بخوانی تا موقعیکه بحرکت در اید هرگاه مشاهده نموده ای که عصا در حال حر کت است انرا در دست راست بگیر وحرکت کن به هر طرفی که میخواهی البته این ایات را که ذکر شد نه برای یک مرتبه میخوانی یعنی یک جلسه بلکه هر روز اگر شود صبح بعد از نماز هر روز ادامه میدهی یا شب بعد از نماز عشاء و با شرایط تسخیرات که گفته شد یعنی ترک حیوانی وبخور نموده وبعینه شرایط هر روز که شروع نموده ای در همان مکان و در همان ساعت باید تکرار شود والا باید از سر بگیرد و هر روزی یک مرتبه اسماء موکلین را بخواند ویکی ازشرایط خاص آن این راز را پنهان والا اگر بگوید بغیر استاد و رشد این دستور کثیراً عمل ضایع می شود(یعنی به هیچ کسی چیزی نگوید)

اسماء موکلین این است:

اسرافيل – جبرائيل – عزرائيل – ميكائيل – كلكائيل – متكائيل – مهكائيل – دردائيل – اهرائيل – اسماكيل – سرفائيل- همواكيل – همزائيل- اهجمائيل – عطكائيل – اسماعيل – تورائيل – لوقائيل – لوغائيل- ميرحمائيل – عطرائيل – حروزائيل – طاطائيل – رمائيل – حولائيل – رفتمائيل – دوزمائيل – سركينائيل

اسماء باريتعالی كه در آن اسم ياء ميباشد:

الرحيم- المهيمن – العزيز – البارئ – العليم – السميع – البصير- اللطيف – الخبير – الحليم – العظيم – العلی – الكبير – الحفيظ – المقيت- الحسيب – الجليل – الكريم – الرقيب – المجيب – الحكيم – المجيد – الشهيد – الوكيل- القوی – المتين – الولی – الحميد – المحصی – المبدئ – المعيد- المحيی – المميت – الحی – القيوم – الوالی – المتعالی – الغنی- المغنی – الهادی- البديع – الباقی – الرشيد

فعالسازی چشم سوم(اينكارخيلی ساده ميباشدو همه افراد ميتوانندانجام دهند)

چشم سوم با اسامي مختلف از جمله چشم معرفت، چشم بصيرت، چشم دل، چشم درون، تيسراتيل و آجنا خوانده مي‌شود و جايگاه آن در كالبد اثيري و منطبق بر پيشاني در جسم فيزيكي است.
برخي دانشمندان اعتقاد دارند كه چشم سوم محلي براي دريافت ادراكات فراحسي، الهام و اشراق و وسيله‌اي براي ارتباط موجودات با يكديگر در جهان هستي مي‌باشد. از طريق آجنا مي‌توان با عوالم و موجودات ماورائي و همچنين با وراي ابعاد مكاني و زماني ارتباط برقرار ساخت. همچنين با كمك آجنا مي‌توان هاله‌ها را ديد.
براي رؤيت هاله، لازم است كه تمرينات باز كردن چشم سوم را انجام دهيد، تا چشم سوم خود را تحريك سازد كه انرژي اطراف سوژه را دريافت كرده، قدرت گيرندگي آن را افزايش دهيد. اين كار شما را قادر مي ي تك‌رنگ‌ها ممكن است، اما اگر چشم سوم شما تحريك و باز كنيد. البته بدون انجام اين كار هم ديدن هاله ي يك موجود زنده بسيار مشكل خواهد بود.نشده باشد، ديدن هاله
به ياد بياوريد كه وقتي خيلي خيلي خسته و كاملاً فرسوده‌ايد چه حالي داريد؟ به ياد بياوريد كه چه احساسي توانيد چشمهايتان را باز نگه داريد؟ به ياد بياوريد كه چه ايد و به سختي مي‌داريد وقتي براي روزها نخوابيده دارند؟ به ياد بياوريد كه چه حالي احساسي داريد وقتي چشمهايتان دست از تلاش براي بسته شدن بر نمي جنگيد تا آنها را باز نگه داريد؟داريد وقتي كه با چشمهايتان مي ي كنيد يك پرده‌انگيزد، مانند اينكه تلاش مي‌تجسم اين حالتها با تمركز و توجه كامل، در شما احساسي برمي دهند، هاي چشمهايتان خوب پاسخ نمي‌خيالي سنگين را از پشت چشمهايتان بلند كنيد. در چنين حالتي ماهيچه بنابراين كار شما تقريباً بطور كامل ذهني است.
چند لحظه صبر كنيد تا اين حالت را به خوبي مجسم كنيد. كوشش براي باز نگه‌داشتن چشمان خسته، يك شود. اما چگونه؟كند و به تدريج باعث باز شدن آن مي‌تحريك ذهني قوي در چشم سوم ايجاد مي كند. هنگامي كه آگاهي اين فعاليت گشايشي ذهن ، آگاهي جسمي شما را در محل چشم سوم متمركز مي دهيد، شود و شما آن ناحيه را تحت نفوذ ذهني خود قرار مي‌جسمي شما در يك قسمت از بدنتان متمركز مي كنيد. اگر اين فعاليت ذهني به اندازه كافي ادامه كالبد انرژي خود را در آن ناحيه به نحوي پويا تحريك مي پيدا كند و تلاش ذهني كافي صرف آن شود، چشم سوم شما شروع به باز شدن خواهد كرد.
اگر شما فعاليت گشايشي ذهن را هنگامي كه در حالت آرامش هستيد و موضوعي در ميدان ديد شما قرار اي خودبخود ايجاد خواهد شد.دارد (و بطور مستقيم در حال نگاه كردن به آن نيستيد) انجام دهيد، ديد هاله هاي ديداري باز كردن چاكرا است كه توسط فعاليت گشايشي ذهن كه در اينجا شرح داده شد، شبيه تكنيك شود. فقط به مراتب قوي‌تر و مؤثرتر است. اكثر استادان كار با انرژي و پيشرفت قواي ذهني تدريس مي تمرينهاي ديداري كار با انرژي به تنهايي ضعيف مي‌كنند هستند و يادگيري و استفاده از آنها مشكل است.

توصيه: مركز بين دو چشم (روي پيشاني) را به نرمي با ناخن بخارانيد. اين كار به شما كمك خواهد كرد كه

اين نقطه را با آگاهي جسماني خود به دقت هدف بگيريد.
آگاهي جسماني خود را به ناحيه بين چشمهاي خود منتقل كنيد. با تمركز كامل از اين ناحيه آگاه شويد. اين
كنيد پلكهايتان را به زور باز كنيد. اما به ناحيه را به صورت ذهني بالا بكشيد. چنان كه گويي تلاش مي
ماهيچه‌هايتان در اين ناحيه اجازه ندهيد كه منقبض شوند يا به هر صورت ديگر پاسخ بدهند (اين تلاش
كاملاً ذهني است).
اند؛ به آنها اجازه احساس خود را به دقت مورد توجه قرار دهيد. تصور كنيد كه چشمهايتان خيلي سنگين شده
دهيد كه بسته شوند، و چند بار پلكهايتان را به‌هم بزنيد. توجه كنيد كه براي اين كار از كدام ماهيچه‌ها
كنيد.استفاده مي
همين فرمان عضلاني را از طريق آگاهي جسماني ذهن خود در آن ناحيه به كار ببريد، اما ديگر به
ماهيچه‌هاي پلكهايتان اجازه ندهيد كه از فرمان اطاعت كنند.
ي اين كار را دوباره و دوباره تكرار كنيد (بالا بكشيد، بالا بكشيد، بالا بكشيد...) چنان كه گويي يك وزنه
كنيد.خيالي سنگين را از پشت چشمهايتان بلند مي
ي انقباض يا پاسخ ندهيد. هايتان) اجازه‌اين كار را بارها تكرار كنيد، اما به خودتان (يا هيچ يك از ماهيچه
كنيد.اين كار در آغاز كمي دشوار است، اما با كمي تمرين به راحتي در انجام آن مهارت و تسلط پيدا مي
خواهيد به روشن‌بيني و ساير توانايي‌هاي روحي دست اين فعاليت گشايشي ذهني خيلي مهم است. اگر مي
پيدا كنيد، اين تمرين اولين قدم براي يادگيري كنترل چشم سوم است.
كشيد، حتي تمام در مراحل اوليه ممكن است احساس كنيد كه ناحيه وسيعي از بالاي ابروهايتان را بالا مي
تواند تأثير لازم را براي باز كردن چشم سوم شما پيشاني خود را . اين مورد اشكالي ندارد و باز هم مي
ي تمركز فعاليت ذهني خود را كاهش دهيد و آن را به داشته باشد. با تمرين بيشتر خواهيد توانست حوزه
ي بين ابروها (چشم سوم) محدود كنيد.ناحيه
اگر اين فعاليت گشايشي ذهني را ادامه دهيد، چشم سوم خود را تحريك كرده ، آن را فعال خواهيد ساخت.
تمركز يكنواخت و آرام شما روي يك شيئ، چشم سوم شما را با انرژي ساطع شونده از آن شيئ هماهنگ
شود و در آنجا بعنوان يك تصوير (يك نوار خواهد كرد. اين انرژي به مركز بينايي مغز شما ارسال مي
شود.روشن از نور رنگي) تفسير مي
توصيه: هر گاه در انجام اين عملكرد گشايشي ذهني، تمركز و تسلط كافي كسب كرده، آنرا بصورت ذهني
ي خيالي پشت چشمهاي شما در يك سمت آسانتر از سمت ديگر بالا اجرا كنيد، متوجه خواهيد شد كه وزنه
ي مغز اين احساس ناشي از تفاوت بين دو نيمكره‌شود،كه معمولاً سمت راست آسانتر است. اصولاكشيده مي
ي غالب). اگر اين مورد براي شما شما است كه استفاده از يكي به مراتب آسانتر از ديگري است (نيمكره
ي بين هاي ساعت در ناحيه‌كند، با يك فعاليت چرخشي ذهني، در جهت چرخش عقربه‌ايجاد اشكال مي
هاي ساعت اين است كه صورت ابروها، چشم سوم خود را تحريك كنيد. منظور از جهت چرخش عقربه
ي ساعت در نظر بگيريد و جهت صحيح چرخش را با آن بسنجيد. براي اين فعاليت خود را به عنوان صفحه
چرخشي نيز از همان فرمان ذهني عضلاني استفاده كنيد كه قبلاً براي باز كردن چشمهاي خسته به كار
برديد. اما اكنون آنرا براي چرخش به كار ببريد، چنان كه گويي با حركت چرخشي يك مداد، اين ناحيه مي
كنيد. بهترين روش اين است كه براي فعال كردن چشم سوم خود تمرين گشايشي اصلي و اين را تحريك مي
تمرين چرخشي را يك در ميان انجام دهيد. فعاليت گشايشي ذهني به هر حال براي هماهنگ كردن چشم سوم
شما با هاله لازم است.
ي اين تمرينهاي محرك انرژي، به آگاهي جسماني موضعي خصوصاً آگاهي توجه: به ياد داشته باشيد كه همه
اند. براي اينكه اين تمرينها مؤثر باشند، بايد احساس كنيد كه آنها واقعاً اتفاق موضعي در سطح پوست وابسته
افتند.مي

چشم برزخی:

ذکر یونسیه و تکرار ان ٤٠٠ مرتبه در سجده با شرایط خاص تا یکسال موجب گشوده شدن چشم برزخی خواهد شد.

افشای یوگای خفیه شدم.یوگایی که وقتی استادم ناچار به دستور بنا به

... شروع به تمرین کنید.قلقوس منجر به گشودن چاکراهای شما شده و

.دوستان قدر این روزهای رو که در اختیار تون هستم رو بدونید

.ورزشهای رو که به شما میدم تو هیجای این کره خاکی پیدا نمیشه

کریشنا:"ای آرجونا من این علم پایدار و از میان نرفتنی رابه فرشته

"خورشید"ویواشیوان" تعلیم دادم"ویواشیوان" آنرا به پدر بشر"مانو

تعلیم داد و "مانو" آنرا به نوبه خود به "ایکشواکو" تعلیم داد و او هم

"به تو سروش آموخت."استاد ۸۷/۱۲/۲۵

توجه:لازم است که این حرکات را در قبرستان یا روی لوله فاضلاب

مشرف به دریا انجام دهید و شلوار لی به پا داشته باشید وگرنه کارگر

.نخواهد بود

"حرکت اول:"لوتوس قبر آسانا

این حرکت باعث تقویت ستون فقرات شده دو نادی آیدا و پینگالا را

در دو طرف مهره کمر پاکسازی کرده و باعث جذب انرژی مرده

میشود. یکی از دوستانم این حرکت را انجام داد و یکدفعه صدایی از

قبر بلند شد که میگفت: هوهوهوهو للللللللل وَی وَی وَی

"حرکت دوم:"لول پیچ آسانا

این حرکت منجر به تحریک کوندالینی شده و در ماتحتتان احساس

.گرما به شما دست خواهد داد

"حرکت سوم:"کاتالپسی ها آسانا

این حرکت منجر به دیوانگی خواهد شد البته موقتی مثلا در حین

دیوانگی خواهید گفت :سیب زمینی گرون شده , میله و عدس دارند

علیه نخود توطئه میکنند, شلوار پدرم گویای یک حقیقت مرموز اما

متبادر کننده سلسله مراتب ساختار های رویه ای بر مبنای دو حب

.ذاتی و اشکالات پی درپی به واسطه قرون وسطی خواهد بود

"حرکت چهارم:"مرده آغوش آسانا

این حرکت در برگیرنده تمام حرکت های یوگا از ازل تا ابد خواهد

بود.شما با این حرکت با مرده حرف خواهید زد خود به خود مستجاب

الدعوه خواهید شد شب و روز با ارواح طیبه قبرستان سخن خواهید .راند. با استفاده از آنها در مورد اتفاقات برزخی اطلاع خواهید یافت

یکی از شاگردان با انجام این حرکت یهو یک میمون بد ترکیب بر وی متجلی شد و به او گفت تو باید یک دوره شش ماهه را در قبر بگذرانی تا ترس تو از مرگ از بین رود. ناگهان رفت توی قبر و دیگه در نیومد بعد والدینش اومدن سراغم که کو بچمون؟ گفتم بابا کجای کارید قبر قورتش داد. پدرش افتاد دنبالم ولی نتونست منوبگیره چون به راحتی با سرعت زیاد قبر ها رو دریپل میدادم بعدش یه گور تازه کنده شده رو پیدا کردم و خودم رو انداختم توش و .دیگه منو پیدا نکرد

(توی جبهه هم ترکش ها رو دریپل میدادم)

"حرکت پنجم:"بین دو قبرین

این حرکت باعث انتقال عذاب قبر از اولی به دومی میشود. در اصل قبر به قبر دیگر.همچنین در سیر انتقال گناهان یک جهت پلی است این سوم بسیار کثیرالتاثیر است.با چشم گشایش جهت برزخی و .حرکت شما قادر به مشاهده گرز های آتشین و فشار قبر خواهید بود

یکی از شاکردانم دوستش بدهکار بود و نتوانسته بود بدهی خود را پرداخت کند که این شاگرد باهوش با این حرکت توانست بدهکاری دوستش را به قبر دیگر منتقل کند تا گناه آن به دوش مرده ای دیگر .بیافتد

"حرکت پنجم:"لوله فاضلاب ها آسانا

این حرکت حتما باید روی لول فاضلاب مشرف به دریا باشد.در اثر این تمرین کم کم بوی فاضلاب در مغزتان میپیچد و شما را به عالمی دیگر سوق میدهد. عبور مدفوع را سهل کرده اما یاد آور است .طوری که شبها زیر پتو باید ماسک بزنید و تنها بخوابید

"حرکت آخر:" بیچاره آسانا

و این حرکت یعنی پایان عقل و شعور

چگونه میتوانیم با جنیان ارتباط برقرار کنیم ؟

دریچه های مختلفی برای ورود به دنیای آنها وجود دارد از جمله

اول ترس شدید که برای یک لحظه پیوند گاه را تا بالاترین درجه تحریک می کند وباعث مشاهده می شود

دوم از طریق موسیقی آرامبخش که انسان را تامرحله سوم از بدن دوم تحریک میکند

سوم از طریق روشهای تمرکز ومراقبه خاص به شکلی که با برنامه مشخص بر دنیای انتزاعی بصورت گسترده تمرکز کرده تا مشاهده صورت گیرد

چهارم از طریق استفاده از داروها ومواد شیمیایی خاص که در شروع دیدنها توهم بوده وکم کم شکل واقعی به خود می گیرد البته این روش را بهیچوجه توصیه نمی کنم زیرا عوارض زیادی دارد وباعث وابستگی وبیماری شدید می شود

پنجم از طریق ادعیه وعزیمت خاص وتسخیرات که ریاضات بسیار سخت را میطلبد و بدون استاد گام گذاشتن در این راه بسیار خطرناک است

ششم از طریق تقویت معنویت که در مسیر شما برای آزمایش پری رویان ومهوشان وقدرتهای بی شماری برای آزمایش قرار میگیرد که نباید به هیچکدام واکنش نشان دهید اگر از آنها گذشت کنید در مراحل بعد الطاف بیشتری نصیب شما خواهد شد ولی همه اینها زیبائی های مسیر راه است وانسان را از رسیدن به مقصد باز میدارد مرد خدا در مسیر روحانیت نمیتواند ونباید به هیچکدام دل بندد در غیر این صورت راه او خالص نیست وهرگز به سر منزل مقصود ومقام قرب نخواهد رسید

هفتم ازطریق خواسته خود جنیان که گاها بدلیل زیبایی یا مقام روحانیت شخص به او علاقمندمی شوند وبه او تمایل پیدا میکنند

اگر مایل به دیدن جن و در مکانی تاريك هستید با او صحبت و ترسناك و بیش از ده بار خوف بگوييد:

اَرفَع رافِع یا رَب

اگر جن را نديديد وجودش را حس ميكنيد.

در پیرامون بشر نامرئي موجودات دلیل وجود

آن فهم و درك براي تمرين هاي عملي و

نامرئي موجودات

افراد بشر را گرفته موجوداتي بسيار و عناصر و گازهاي بيشماري پيرامون ما وجود دارد و دور تادور همة ما را گفته شده
ولي انسان با چشم عادي نمي
كنيد كه شب هنگام چون ديده به صفحه نيلگون آسمان مي افكنيد اثبات وجود آنها به اين حقيقت توجه براي .تواند آنها را ببيند
پاشي هزار ستاره درشت و سحابي و كهكشان مي بينيد كه با كمال درخشندگي در حال جلوه و نور آنرا انباشته از هزاران
.هستند

چرا در روز ستارگان را نمي بينيم ؟

خورشيد با آنها ستاره ها به آساني ديده مي شوند آن است كه چشم انسان به علت محجوب بودن نور قوي علت اينكه شب
تعادل ندارد. اگر توانست در روز هم اين تعادل را حاصل تعادل پيدا ميكند و علت نديدن آنها در روز آن است كه چشم با آن
شد.مگر نه اين است كه اين ستارگان هميشه در آسمان وجود دارند؟ پس چه شده كه در روز كند بديدن آنها موفق خواهد
است وجود دارد كه مانع از ديد نميتوانيم آنها را بنگريم؟ علت آن روشن است. ميگويند نور قويتري كه همان نور خورشيد
:آنها ميگردد. چنانكه شاعر فرمود

آيند به شب در نظر ما آيند پيش خورشيد محال است كه پيدا اختراني كه

دارند ولي ما آنها را در روز نميتوانيم ببينيم و اگر البته محال نيست چناكه گفته خواهد شد.اين ستارگان در محل خود وجود
.بود و در نور خورشيد غرق باشيم بدون چشم مسلح هيچ كس قادر بديدن آنها نخواهند بنا باشد همواره روز روشن باشد

نامرئي موجودات

بيشماري وجود دارد كه بشر با وضع موجودات همين هوائي كه بدون رنگ و رقيق به نظر ميرسد در اطراف بشر يعني در
فهم براي اشخاص آنها را نمي بينند ممكن است منكر وجودشان شوند. اين است كه آنها محروم است. چون ديدن عادي از
.گرديده است مطلب مثالهائي در اين مقال بيان
فضاي اطراف او را پر ساخته حال همان ستارگان را دارند. آنها كه پيرامون بشر را فرا گرفته و نامرئي موجودات
را چشم همگي در حال تجلي ميباشند اما نورها و رنگ ها و جلوه هاي ديگري هست كه ديد بشر هستند،وجود دارند و جلو
.نيست موجودات عناصر و مسدود مي كند و او را خيره ميسازد و قادر به روئيت آن نورالانوار و نورها و

پاره كردن پرده ها

ها را پاره كرد و حجاب ها را دريد خواهد ديد چه تلالؤ و عظمتي در همين عالم ساده كه هر گاه بشر وسائلي يافت كه پرده
.و يافتن آنها نيست ديدن در جلو او گسترده است وجود دارد كه در حال عادي قادر به

وسايل ايجاد

به اين كار قادر شود و معني واقعي دريدن حجاب همين اما اگر بشر توانست وسائلي برانگيزد، در همين زندگي هم ميتواند
تطور و اختراعات و كشف وسائل باشد يا اين است. آن افزارها و وسائل يا از
مي قوي نمايد و چشم را آشنا سازد كه به اين امر قادر گردد فرقي نخواهد داشت و كه بشر تمرين روحي كند و خود را چنان
.شد تواند آنها را ببيند. معني تمرين ها و رفع حجابها همين است كه گفته

روز ستارگان در ديدن

تمرين مداومت نكند و بخواهد كه ستارگان را ببيند مثلاً هرگاه بشري چشم خود را در روز به آسمان خيره ننمايد و بر
اثر قاطع دارد كه آنها وجود دارند با اينكه در حال عادي قادر به ديدنشان نيست.اما در ستارگان را نخواهد ديد. اما ايمان
منتهاي قدرت است بنگرد و روز به مداومت و خواست و جديت ممكن است تك تك آنها را حتي موقع ظهر كه خورشيد در
توفيق يابد ايماني كه داشت به شهود ميرسد و آنچه را يقين داشت بالعيان روز بر ديد او اضافه شود.وقتي توانست به اين كار
شوند كه در اثر ضعف طبيعي نگرد.البته در اثر تمرين اكثريت به اين كار توفيق حاصل ميكنند و اگر هم اشخاصي پيدا مي
.قطعي است هر چند كه آنها نتوانستند آنرا ببينند نيروي ديد موفق نشوند ايمانشان به وجود ستارگان در روز

ستارگان ديدن تمرين

همه روزه به نقطه معيني از آسمان كه بهتر است در ابتدا دور از قرص خورشيد تمرين ديد ستارگان در روز ميتوان براي
ديدن از مدتي موفق به بدوزند. در اثر مداومت در اين كار كم كم چشم تناسب و تعادل با آن پيدا مي كند و پس باشد چشم
كار طاقت و مداومت و خواهد شد. البته به طور كمرنگ نه مثل ستارگان شب. بايد گفت شرط اين است كه در اين ستارگان
حاصل نميگردد.در ابتداي تمرين ستارگان متناوباً روشن و پيگيري و حوصله به كار رود و الا با يك روز و دو روز نتيجه
ميشوند و اين كار به علاوش و پيدا و ناپيدا

اشخاصي هستند که در روز ستارگان را مي بينند و چون قواي آنها علت پرت شدن حواس تمرين کننده است. هم اکنون نيز
.موفق شوند اين كار برايشان مشكل نيست. آنقدر نگاه و تمرين كرده اند كه توانسته اند به اين كار به طور طبيعي زياد است
دليل است فضائي هم وجود دارد ولي به همين نامرئي و گازهاي موجودات .پس وجود ستارگان در روز قابل رد كردن نيست
.است آنها تمرين و مداومت ديدن كه همه نمي توانند آنرا ببينند و راه

اشعة اطراف چراغ

خيره شويد در ابتدا چيزي غير عادي در اطراف آن نخواهيد ديد. اما اگر اگر شما به يك لامپ چراغ برق در حال روشني
خطوطي از نور و رفته تنگ و تنگتر و كوچكتر سازيد كم كم در اطراف همان چراغ شعاع ها و دايره ها و پلك ها را رفته
در حال عادي نبودند و اكنون ظاهر شدند؟ آيا طيف ها و چيزهاي ديگر بنظرتان خواهد رسيد. اينها چه بود؟ چطور شد كه
شد و يا وضع اطاق دگرگوني پذيرفت كه اينها را كه نمي ديديد اكنون مي بينيد؟ چشم شما معيوب گرديد يا نور چراغ خراب
بود پديد آوريد و چشم را فقط اين است كه با تنگ كردن چشم مانعي در مقابل نور قوي كه پيرامون چراغ را گرفته علت آن
.چيزهاي ديگري در فضا ببينيد متناسب با آن نور كرديد و چون مانع مرتفع شد توانستيد
بيان گرديد. حال فكر كنيد اگر انسان تمرين كند و بر تمرين مداومت اين تجربه اي خيلي ساده و بدوي و بدون تمرين بود كه
.گرديد اين راه جد و جهد روا دارد و دنبال كند چه حقايقي بر او روشن خواهد نمايد و بخواهد در

تغيير در نحوه تمرين

مختلف انجام داد. مثلاً نور در بالا، در پايين، نور قوي و نور ضعيف به صورتهاي همين تمرين را مي توان به صورتهاي
چشم خيره به نور شده و گوناگون نگريست تا جلوه هاي مختلف در فضا به چشم انسان برسد.ميتوان در همان حالي كه
نظر كرد. ديگر آن شعاعها محو مي گردد زيرا در اثر ذره بين شعاعهايي در فضا مي بيند به وسيلة عينك يا دوربين به آنجا
كوچك كنيد با ذره بين و چشم باز به چراغ بنگريد قدرت زيادتري از آن مي بينيد اما اگر چشم را باز نور قوي ميشود.وقتي
كجا آمدند. مسئله شهود و ظاهر است و به خوبي در اطراف آن ذراتي ديده ميشود. اينها نشان آن است كه چيزي هست والا از
شد و وقتي ذره بين به چراغ انداختيد و نور قويتر شد از بين رفت؟ زيرا به علت ديده ميشود. چرا با كوچك كردن چشم ديده
با تنگ كردن چشم شعاعهائي نور تناسب بهم خورد. وقتي دوباره تناسب دهيد باز آنرا خواهيد ديد. چه دليلي است كه ازدياد
نديديد؟ ديديد در حاليكه با باز بودن چشم آنها را

طيفهاي رنگين نور

در وسائل و تمريناتي در اطراف نور مشاهده كرد. اينها را همه در اثر حجابي كه مصنوعاً طيفهاي رنگين را مي توان با
در اطراف يك لامپ قوي برق يا در مقابل نور قوي به وجود آورديم ديديم.اگر انسان تمرين كند با چشم باز هم ميتواند
.و اشعه و رنگ بنگرد اطراف خورشيد شعاعها و جلوه هائي گوناگون از انوار

مربوطه به مژه چشم نيست

كردن چشم به نظر ميرسد مربوط به مژه انسان نيست. دليل اين است كه اگر از اين شعاعهاي چراغ كه در اثر تنگ ديدن
بيست متر از نور چراغ دور چراغ خيره شويم مجبوريم چشم را تنگ كنيم تا اشعه را ببينيم اما اگر مثلاً ده متر يا نزديك به
امتحان به براي.مژه جلو آنرا نگرفته همان شعاعها را مي بينيم شويم ديگر احتياج به تنگ كردن چشم ندارد و با چشم باز كه
است ناچاريد چشم را نيمه بسته شعاع در اطراف چراغي كه نزديك شما ديدن براي .خيابان نگاه كنيد چراغ برقهاي دوردست
به همان صورت مي بينيد. پس بايستي چشم خود را مثل ديافراگم سازيد اما چراغهاي دوردست همان خيابان را با چشم باز
.سازيم عكاسي با فاصله متناسب

نقل از مجله اطلاعات هفتگي

جمعه ۱ آبان ۱۳۴۹ صفحه ۲۹ شماره ۱۵۰۶

پرتوهاي نديدني

وسانتيمتر ياآنگستروم تغيير «نورهائي را مي تواند ببيند كه طول موجهاي آنها تنها ميان سانتيمتر يا«آنگستروم چشم انسان
توانند نورهائي را ببينند كه به طول موجهايشان اندكي بيش از اين كنند. پاره اي از مردم كه قدرت بينائي شگرف دارند مي
شد دارند و در آن سوي مرزهاي نورهاي ديدني، پرتوهائي را ديده اند كه طول موج هائي جز آنچه ياد است. پاره اي نيز
پرتوها افتاده اند. ليكن نخستين بار ويليام هرشل مانند پرتوهاي نور در فضا در گردشند. دانشمندان بسياري به فكر وجود اين
قرن نوزدهم وجود آنها را به اثبات رساند اخترشناس بزرگ انگليسي در دهة اول

خيره شدن به پنجره

ببنديد همان پنجره را به طور تمرين ديگر: هر گاه در روشنائي چشم خود را به يك پنجره خيره كنيد و سپس چشم را يك باز هم تغييراتي مي معكوس خواهيد ديد. پنجره در مقابل ديد شما تغيير كرد و
روي اين قسمت متمركز كرديد روشنائي باطني شما كند زيرا اشياء ديگري هم در اطراف آن هست. چون تمرين خود را .معكوس به نظر شما رسانيد. پس از مدتي آن پنجره ميرود و شيئي ديگر در نظر مي آيد تجلي كرد و همان پنجره را به طور .اينها از كجا آمد؟ از هر راهي تمرين كنيد مطلب مسلم ميشود

ديگر دليل روشن

داريد انواع اشياء روي ميز يا روي زمين گذارده شده دليل روشن ديگر بر اين مطلب ذكر مي كنم. در اين اطاق كه شما قرار روي نميتواند آن اشياء را ببيند و يا كسي كه امي است ادعا مي كند كه چيزي روي ميز يا است. كسي كه چشم خود را ببندد زمين نيست. اما كسي كه مي بيند جواب مي

اشياء پي مي برد. اين دهد: همه چيز هست اما تو نمي بيني. آن كور مادرزاد اگر با دست لمس كند به وجود حتمي وادار به قبول وجود آن در ابتدا پيدا ميشود يعني مغز را نامرئي لمس همان حسي است كه ما ميگوئيم نسبت به اشياء .ميدهد هم همين كار را انجام ديدن اشياء ميكند. عمل

اقرار مي كند

را به كتاب زد و اطراف آن را لمس كرد مي گويد: فهميدم. وجود كتاب شخص امي پس از اينكه كورمال دست خود كه تو دانستم كه كتاب هست اما شخص بينا مي گويد: تنها كتاب نيست انواع و اقسام چيزها است را متوجه شدم و .متوجه نيستي

روشن بين چه مي گويد؟

او براي وسائلي اختراع كند و به آن كور تمريناتي بدهد خواهد ديد كه آن چيز كه منكرش بود حال اگر بشر توانست بين و شخص عادي مثل فرق بينا و كور است. شخص روشن بين مي گويد توجه روشن مي شود. فرق شخص روشن عادي مثل آن كور مادرزاد مي گويد: نيست و در اين سخن خود اصرار مي ورزد اما در اثر كن ببين ولي شخص نصحيت و تمرين و مداومت كم كم چشم باطن او باز مي

.و پي به اشتباه اوليه خود مي برد شود و حقايق را خواهد ديد

تمرين با چشم باز

به صورت خيال اينگونه تمرينات را انجام ميدهند اينطور نيست كه چشم را ببندند تا در نظر آنها چيزي كساني كه قوي شدند در حاليكه در اطاق خود نشسته مجسم گردد بلكه با چشم باز آنها مي بينند.پس از اينكه در تمرين موفق و مي توانند ببينند. البته چشم باز است ولي در اينجا ديگر چشم كار اند شهر ديگر، كشور ديگر و حتي قارة ديگر را حالت گيجي و دوران سر، حالي به او دست مي نمي كند بلكه مثل
.طريق اولي با چشم بسته هم خواهد ديد اين مناظر شد به ديدن باز موفق به دهد و اينها را مي بيند. كسي كه با چشم

نكتة مهم

اينكه مؤثر گردد لازم است مداومت براي مهم بايد در اينجا گوشزد گردد و آن اين است كه اينگونه تمرينات يك نكتة داده شود. كسي كه به چنين كاري مبادرت مي
رسيدن به براي يكي دو روز يا يكي دو هفته و حتي يكي دو ماه توفيق يابد بلكه ورزد نبايد توقع داشته باشد كه بعد از .علاقه، پي گيري و مداومت و ايمان به پيروزي لازم است نتيجة مطلوب استقامت، عشق،

آشكار دلايل روشن و

ايمان قطعي به وجود آنها ميتوان تمرينهاي مناسب هم همين حال را دارد و در عين نامرئي موجودات گازها و ديدن نمود و به

مثل كارهاي ديگر بر امروز بشر ميتوان يافتن؟ كار وجدت براي شد.آيا شاهدي و دليلي برتر از اين ديدنشان موفق كسي همه باز مي كند كه هر براي راه را روي حدس و فرض استوار نيست بلكه بر روي تجربه و يقين بنا شده و

روشن ميگردد و نشان ميدهد بتواند حقيقت را با تجربة شخصي بالعيان بنگرد. اينجاست كه مقام تمرين و عظمت آن و فهميدن حقايق مي ديدن كه هر چه انسان بيشتر تمرين كند بيشتر موفق به
انسان چشم را با كه پرده ها از جلو چشمان او كنار رفته و حقايق را بالعيان خواهد نگريست. پس اگر شود تا آنجا شد و حتي پريسپريها موفق خواهد موجودات تمرين مسلح كند بديدن اين.

حقايقي در بارة رؤيا و خواب

يك راز بزرگ

است ديدن مكشوف مي كنم و آن خواب حال كه سخن بدينجا رسيد به امر و مشيت الهي يك حقيقت بزرگ عالمي را. مقابل نورهاي قوي كه آيا ميدانيد چرا خواب مي بينيم؟ علت آن است كه در حال خواب، وضع بدن طوري استكه در در روز مي تابد حجابي پيدا مي

انسان در حال خواب آزادانه نمي گردد.به اين لحاظ است كه موجودات ديدن مانع از شود و ديگر نورهاي قوي مي بيند و آنها را بطور حقيقي مينگرد حركات پريسپريها را اعم از انسان و حيوان و مناظر مختلف.

خواب چيست ؟

ديدن خواب همانا امري مسلم است ولي نمي دانند چه ميشود كه انسان مناظري مي بيند. ترديدي نيست كه خواب پريسپري ندارد. اين است كه ديدن حال بيداري وضع بدن انسان و فعاليت حاد و تند آن تناسبي با پريسپريها است. در بديدن آن ميشود آنها را در حال عادي ببيند. اما هنگام خلسه يا خواب طبيعي يا خواب مصنوعي موفق نميتواند.

است رؤيا و خواب اين

پريسپريهائي را كه موضوع مسئله خواب را روشن كر د در حال خواب انسان در اطراف خويش همان ذرات و اين رؤياها است كه اينهمه دانشمندان بر سر آن زحمت موجود است ولي در حالت بيداري ديده نميشود، ميبيند اين كليد اند كشيده و به حل آن موفق نشده.

حال خواب در بيداري

تمرين همان حالت خواب و مخفي شدن نور قوي و ممانعت از نور را در اكنون ميگويم اگر كسي توانست به وسيلة جلوه هاي پريسپري را كه در خواب ميديد در حال بيداري به طور منظم تر و بهتر خواهد خود پديد آورد همان نگريست. عمل اشخاص روشن بين و آگاه كه حقايق را مي
چشم باز است ولي نور قوي را مشاهده نمي كند و برخي اشياء و مخلوقات كه در نگرند همين است. در اين حالت ميرسد دارد ديده ميشود. البته همه را نميتواند ببيند بلكه مختصري به چشم او جو وجود.

تمرين چگونه است ؟

ابتدا هاله هائي و چيزهايي به چشم مي آيد كه انسان به آن عادت مي كند كم كم اگر در حال بيداري تمرين كند در كه بتواند آن اشعه عادت بيشتر خواهد شد ، راه كار بدست خواهد آمد كه چشم خود را به چه حالتي در آورد توجه و و حالات را ببيند . همين
او تجلي خواهد كرد براي ميشود و كم كم طريق عمل را مي آموزد و موضوع كه در مرتبة اول ديد در نظر او مسلم
.

حالت خلسه

بعد از تمرين حالت خواب مانندي به انسان دست ميدهد، گوش .حالت خلسه اي كه دراويش ميگويند همين است و مغز و حافظه به آن نقطه كه انسان خيره شده جلب ميگردد و يكمرتبه حالتي خلسه درست كار نمي كند، تمام فكر تحرك دارد كه هيچ به انسان دست مي دهد. در تاريكي شب شيئي روشن جلو مي آيد كه متحرك است. به قدري مانند است كه به اين صورت ديده ميشود. هر چقدر نميتواند آنرا در نقطه اي ثابت نگاهدارد. اين خيال نيست. موجودي مي بيند. فقط بايستي ترس نداشت و نبايد رشته را قطع كرد. بايد از تمرين اضافه گردد شخص قوي ميشود و اشيائي كرد خواست كه چيزهائي ببيند. جسم و بدن و مغز و غيره را به اين كار بايد معتاد روي ميل و اراده.

وجود دارد كه ما نمي بينيم همانطور كه در روز ستاره وجود دارد و پس ديديم كه در فضاي اطراف ما موجوداتي
چراغ اشعة خاصي هست كه در حالات خاص موفق بديدن آن عاجز است و همانطور كه در اطراف ديدن چشم ما از آن مي
العين ثابت شد كه روز هم، ستاره را مي شويم. نخست بر ما برأي
آن بر ما مسلم كرديد كه با كم و زياد كردن شكاف چشم ذراتي در اطراف توان ديد. تجربة لامپ را هم ديديم و قدرت
نمي آيند. ميشود. اين ذرات چيست؟ همه آنرا مي بينند ولي متوجه نيستند و حتي در صدد فهم آن بر نور چراغ ديده
.ميرسد آيا خيال است؟ وهم است؟ خير، حقيقتي است كه با خيره شدن به نظر

شرايط انجام تمرين

بايستي تمرين را درست انجام داد تا انسان با تجربة شخصي معتقد به حقيقت انجام اين كار تمرين لازم است و براي
شرايط تمرين .همانطور كه پريسپري را در خواب ميبيند در روز هنگام بيداري هم ميتواند آنرا بنگرد شود و بداند
كه به آن معتاد مي همانا دقت و مداومت است و الا داشتن عينك يا بدون آن تغييرات جزئي است
چون نور را تقويت مي نمايد. اما با همان حال وقتي شوند. با يك ذره بين قوي انسان طاقت نگاه كردن به لامپ ندارد
.ببينيد حدقه را كم و زياد كرديد ميتوانيد

ترقي در اين راه

آن جزئيات ميشويد: وقتي در اطراف لامپ ديدن به نور را قويتر كنيد كمتر موفق اينها همه فرع تمرين است هر چه
اشعه را ديديد مي

است؟ چيزي است كه وجود دارد و شما آنرا ديده ايد و مي توانيد از خود سؤال كنيد كه اين چيست و از كجا آمده
شد را ببيند اما اين تمرين كه گفته موجودات توفيق يابد وسايلي گرانبها پيدا كند كه اين بينيد.ممكن است روزي بشر
.در دسترس همه است و به طور مجاني حقايق را در اختيار انسان مي گذارد

چشم صدمه نمي زند به

چشم باز به يك منبع نور قوي نگاه كند چشم ناراحت ميشود اينگونه تمرينات صدمه به چشم نمي زند. اگر انسان با
اگر چشم را تنگ كرد و به آن نگريست كم كم متناسب با آن مي زيرا تناسب با آن ندارد. اما
داشت. خود مردمك چشم هم اين عمل انطباق را تا حدودي كه عادتاً لازم است انجام ميدهد شود و ضرري نخواهد
گشايد و بهترين رهنما ديافراگم عكاسي هم روي اين اصل ساخته شده است.تمرين در اين قسمت راه را بر انسان مي
است كه چشم را به چه صورت در آورد تا بهتر موفق شود

احضار روح(روشی مجرب)

نمی دانم کاری که می کنم درست است یا نه اما از انجایی که می دانم افراد زیادی مثل خودم علاقمند به علوم غریبه هستند و احتمالا سوالات زیادی ذهنشون رو به خودش مسغول کرده می خوام روشی رو که خودم بهش رسیدم و خیلی چیزها برام روشن شد رو توضیح بدم قبلش ذکر چند نکته لازمه:

۱. از دوستانی که قصد متهم کردن من به دروغ گویی دارند ! تقاضا دارم یکبار روش رو امتحان کنند و در صورتی که جواب نگرفتند اونوقت متهم کنند!
۲. کسی که این احضار رو انجام می ده در صورتی که نیروی درونی و روحی بالایی نداشته باشه ممکنه تا مدتی دچار کسالت ، افسردگی و در موارد حاد تر جنون بشه ! بنابراین هیچ مسئولیتی متوجه من نخواهد بود.
۳. کسانی که قدرت تمرکز قوی تری دارند در احضار موفق ترند چون قراراست شما مدیوم باشید

روش احضار جن:
در یک اتاق نیمه تاریک و ساکت ترجیحا نیمه شب (که تمرکز بالاتر و احتمال موفقیت دو چندان است) بنشینید . ۱۰ دقیقه تمرکز کنید و در این مدت فقط به اجنه و ارتباط با اونها فکر کنید. سوره جن را تا آخر بخوانید. سپس یک قلم و کاغذ بر دارید و قلم را در دست گرفته نزدیک کاغذ نگه دارید بطوریکه نوک قلم روی کاغذ باشد . سپس بگویید از ارواحی که در اینجا حاضر هستند می خواهم که از طریق این قلم با من صحبت کنند و چند بار این جمله را تکرار کنید.و بگویید سلام .خواهید دید که دست شما بدون اراده و خواست شما شروع به نوشتن می کند و جواب شما را می دهد و این بدلیل این نکته است که جن اکنون در بدن شما میهمان است و از طریق دست شما با شما ارتباط برقرار کرده البته در

صورتی که از تمرکز بالاتری برخوردار باشید نیازی به قلم و کاغذ نخواهید داشت و جن بصورت ذهنی با شما حرف می زند و تفاوت میان افکار خودتان و حرفهای جن میهمان برایتان کاملا ملموس خواهد بود و اینجاست که به معنای واقعی کلمه ی "وسوسه " پی خواهید برد.در حین جلسه برای اینکه مطمئن شوید اینها تلقین نیست از جن بخواهید که به نحوی حضور خودش رو براتون ثابت کنه مثلا پرده رو تکون بده یا ضربه ای به در بزنه

.در ضمن مراقب باشید که سر کار نرید چون جنها هم مانند ما انسانها خوب و بد دارند و ممکن است یک جن شرور به تور شما بخورد که بخواهد کمی اذیتتان کند مثلا خودش را بعنوان روح یکی از بستگانتان معرفی کند و اشک شما را در بیاورد بعد آخر سر بفهمید که داره شما رو دست می ندازه و بهتون می خنده (جنها اغلب از این کارها لذت میبرند)

اکثر اوقات در این احضار ها این اجنه هستند که حاضر میشند و احتمال حضور ارواح خیلی کمه.

در پایان جلسه خداحافظی کنید و بگویید "اخرج به حق سلیمان بن داوود" تا جن از بدن شما خارج شود.

از دوستانی که این روش رو امتحان خواهند کرد تقاضا میکنم که نتیجه رو در همین بحث اعلام کنند و اگر به مشکلی برخوردند سریعا با من تماس بگیرند و یا نظر بگزارید.

اجازه استاد فراموش نشود بدو ن اجازه دیوانگی است

گشودن چشم دل و نور ایمان:

عبدالقادر جیلانی دعایی موسوم به فتح البصائر دارد که در کتاب باطل نامه و سحر گشا موجود می باشد عزیزان سعی کنند از این دعا که مورد سفارش است استفاده نمایند.

طی الارض:

شرح دعای تمخیثا اما بعد جمله اگر خواهی که زمین به پای تو نزدیک شود چناچه از مشرق به مغرب به یک لحظه بروی یک شاخ سرو ویک شاخه انار و یک شاخه بید بردارد شاخه انار را حلقه کن سرش را محکم به بند شاخه بید حلقه کن سرش را محکم ببند شاخه سرو را حلقه کن سرش را محکم به بند پس بنویس اندر آن موضعی را که خواهی در شاخ بید پس به بیرون صحرا شود در میان شاخ انار برخیز بر شاخ انار این نامها را بخوان ۷ بار انگاه می بینی که تو را بدان موضع بردند که می خواهی ان شاالله هیچ شک نیست که علم ابو علی سیناست زنهار که به هیچ کس نیاموزند.

هر ۲ دعا که در پایین میبینید به احتمال دعای تمخیثا است ولی چون در کتاب دعا را نیاورده بود به احتمال قوی دعای پایین دعای تمخیثا خواهد بود.

بسم الله الرحمن الرحیم یا تمخیثا یا لمغیثا یا ملیثا یا طلمثا یا رهمیثا یا اهلیلا یا اعیثا یا طوثیا یا وخثا یا صنا یا محیثا

اخیثا یا تمخیثا یا کمفثا یا رخیثا و یا بل بالارض یا یعیثا و یا طوطی و یا رخیثا و یا تحانا

(raveshe monroe baraye asteral projection(khoroje rooh az badan
in fan bedoone khatar ast va bayad gam be gam donbal shavad

marhale1- badan ra shol konin (ham phisicy ham roohi) mitaanid ba tanaffose (amigh reloks shavid 50 ta 100 bar tanaffos konin(har tor ke mkhahid

marheleye 2- be sar hade khab nazdik shavid-yek rah in ast ke bazoohayetan ra bala negah dashte vaghti ke bekhahid bekhabid bazoohayetan sooghot mikonad va shoma 2bare bidar mshavid.ba tamrin mitavanid in halat ra bedoone bala bordane bazoo kontrol konin raveshe digar in ast ke be yek shey tamarkoz konin vaghti ke tasvirhaye digar shoro mikonan ke be zehne shoma vared shavan shoma be dakhele halate khab goone vared mishavid.ba bitafavooti shoma in tasavir ra tavash koonin in be shoma komak khahad kard ta be halate nazdik be .khab ra hefz konin.mono in ra sharte "A" mikhanad

marhaleye 3- amig shodane in marhale-aghaz ke zehnetan ra shaffaf koonin.meydane didetan ra tavassote cheshmane baste moshahede konin.kare digar anjam nadahid.besadegi negah konin az miyane pelkhaye baste be tariki pishe rooye khodetan inha vaghean takhliyeye asabi hastan inha asare khassi nadaran inha ra nadide begirin vaghti ke inha motavaghef shavan be halati vared mishavin ke mono anra sharte "B" minamad.az inja shakhs varede halate aightari az rilokseytion mishavad ke mono an ra share "c" mikhanad halati ke .shoma tamame hooshyariye gesm va tahrike gesmi ra az dast midahid
shoma tagriban dar tohi gahi hastin ke tanha manshae tahrike shoma andisheye shoma khahad bood kamale matloob baraye tarke badan sharte "D" ast.sharte "C" hengami ast ke shoma btoore eraditahrik mishavid bevaseteye asayesh va nirooye taze dadan va asare khastegi tabiyi nist.baraye anjam dadane sharte "D" mono pishnahad mikonad anra dar sobh ya bad az chorte kootahi anjam dahid
marheleye 4- be halate erteash vard mishavid.in mohemtarin va mobhamtarin gesmate teknik ast.partoovhaye ziyadi ehsas mishavan in erteashat shoroye kar hastan anha mitavanan tagrobe shavand besoorate hesse kharshe molayem ya elektriste ke az miyane badan shellik mishavan. dalili in hanooz yek raz ast badane setarei saiy mikoonad badane phisiki ra tark konad.baraye vared shodan :be halate erteash dastoorol amale zir pishnahad mishavad

- tamame gavaherat va ashvai ra ke bar shoma asar daran az poostetan door konin
- otagetan ra tarik konin betoorike noor az pooshte pelkhayetan moshahede .nashavad vali hameye noor ra az bein nabarid
- .deraz bekeshid betoori ke saretan shomale megnatisi ra neshan dahad
- posheshetan ra shool konin vali pooshesh ra hefz koonin andaki garm bashid va rahat betoore adi
- .motmaen bashid dar in makan saro seda vamozahemati nakhahad bood
- varede halate rilikseytion beshavid
- khod ra be talginat roohi vagozar koonin ke bekhater khahim avard tamame etefafagat teye galese nazdik ra ke soodmand ast baraye voogode agelaneetan in 5 doreye tekrar mishavad
- ba tanaffose dahane nime baz pish beravid
- hamchenan ke nafas mikeshid motamarkez shavid bar khalaye pishe rooyetan

- yek noagte be faseleye yek foot (pa) kharege pishaniye khod ra entekhab (koonin va sepas anra taghrir dahid be 6 fit (pa
- nogte re 90 darage ro be bala bargardanid bevasileye tarsime 1 khate khiyali movazi ba mehvare badanetan , balaye saretan ,dar anja tamarkoz koonin va dar an nogte be erteash beresid va an ra be sooye badanetan bargardanid

marele 5- yad begirid ke halate erteash ra koontrool konin.tamrin koonin ke inha re tavassote poshtkare roohiye daroone saretan koontrol koonin payin dar panjeye payetan mojha ra be sartasar badanetan bekeshid va erteashate tooloid shode ra az sar be pa befeestid .baraye toolide asare mooj erteash ra motamarkez koonin va betore zehni erteash ra az sar kharej koonin va anra be samte payine badan hedayat koonin tamrin koonin ta inke shoma betavanid tahrike in erteashat ra tahte koontrol khod dar avarid

۱ martabe ke shoma darin halate erteash ra koontrool mikoonid shoma amade .hastin ke badanetan ra tark konin

marhele 6- ba 1 halate joze shoro konin-kelide inja kontrole fekr ast zehnetan ra rasekh bar tarke badan negah darin va ejaze nadahin parishan shavid.afkare parishan momken ast ke shoma ra a halate kontrol ra az dast dahin

hala be halate werteash vared shavin 1 dast ye 1 pa ra az badan 2om kharej koonin mono pishnahad mikoonad 1 dast a 1 pa ra deraz koionin ta inke beresad be shaye ashena va anra lams koonad nazire divare bastasretan.anra tavassote shey be ozvetan bargardanin tavasote garar dadane an be agab betoore tasadoofi a shakshiyat phisiki mizane erteash ra bekahid va sepa azmayesh be payan miresad. esterahat koonin ta inke be halate adi bazgardin in tamrin shoma ra .baraye jodae amade khahad kard

: marhale 7- khodetan ra az badan joda koonin mono 2 pishnahad darad

۱ ravesh boland shodan az badan ast baraye anjame an fekr koonin ke sabok saboktar mishavin va sepas az an be halate erteash vared mishavin.be an fekr koonin ke chegadr ziba khahad bood ke shoma roo be bala shenavar shavin.in fekr ra dar zehn negah darin va ejaze nadahin feke mozahem vared shavad.in .etefag betore tabii dar in noogte khahad oftad

raveshe digar charkhidan ya az takhte khab biroon amadan .mogeike shoma be halate erteash dast yaftin say konin anchenanke dar bastar ghalt mikhorin galt bokhorin.hich kooshesh ibaraye gakt khordane gesmani anjam nadahin say konin badanetan ra az sar becharkhanid va galt khordan majaziye badane dovvom be samte rast badane phisiki bashad .dar in gesmat shoma kharej az badan ama nazdike an khahid bood .be shenavar shodan be samte bala fekr konin va shoma khod ra shenavare balaye badanetan miyabid.mono pishnahad mikkonad ba metode kharej shodane ro be bala shoro konim vali har 2 .moaserand be 1 andaze

• • • • • • • • • • • • • • •movafag bashin • • • • • • • • • • • •

ای عزیز بدان و آگاه باش که تمامی نسخه های بالا که اعمال طلسمات و دعوات است تمام صحیح و درست است و ما برای ترجمه متون عربی این نسخه ها زحمات شبانه روزی کشیدیم پس بدین نسخه

ها ارج بده و اگر به آنها عمل کنی اول از یک استاد صاحب نفس اجازت بگیر من از این بنده طلب امرزش دارم از خوانندگان گرامی والله اعلم.



نکته:خطرات وعواقب ناشی از این اعمال بر عهده خود فرد عامل خواهد بود.

یا فاطمه الزهرا

بعد از این خورشید می ماند غریب

می تراود از لبش امن یجیب

بیایید برای ظهور عزیز فاطمه دست به دعا برداریم



منتظر پیشنهادات وانتقادات شما عزیزان هستیم

Plasma_2012@yahoo.com